

مناسبتر است تا انجمنی که جداً برای جلوگیری از مناسد حاضر و برای اجرای قوانین و حفظ آن و نظارت و سایر تکالیف مقرر خود داری ندارد. لاکن ما این افواها را بی اصل میدانیم و رؤسای ادارات چون اشخاص تربیت شده میباشد نباید در این قسم خطوط سیر نمایند. شهادت این انجمن حایه کرمان در نهایت بی غرضی یا نهایت دبانیت ظاهراً باطناً در خدمت دولت و ملت حاضر، ماها ملت کرمان متشکر و تائب آنها را از خدا میخواهیم که افسرده نشده بحقوق خود که خدمت بدولت و ملت است مشغول باشند

( ایضاً )

۱۲ رجب خبر قتل و شهادت سر حلقه مشروطه خواهان حضرت حجة الاسلام شهید آقا سید عبدالله بهمان تلگرافاً از مجلس مقدس بعنوان انجمن ایالتی رسید. یکدفعه قلوب همتاد هراسمخلوق کرمان بهیجان آمده انجمن که چند روز بود بجهت عدم پایبندی بعضی ادارات دولتی و کثرت تشکیلات و عیالی بلوکات تعطیل بود فوراً در انجمن حاضر شده فائحه و مجلس شایانی بهمراهی و عبرت پژوهی رئیس تلگراف خانه جناب امین الممالک تشکیل داده لوازم سوگواری و تعزیت را بجای آورده طرف عصر علمای شهر خاصه جناب امام جمعه آقای آقا میرزا حسین سلمه الله حاضر شده مجلس را ختم فرمودند. همان ساعت هشت نفر اسرای بهارورا وارد کرده از سوارها و رؤسای نظمی و امنیه و ایلات اطهار امتنان نموده همین دو روزه آنها را استنطاق تا محرکین آنها برای دولت و ملت معین شود روز ۱۳ رجب که عید سمید ملی است مجدد انجمن دایر شده ادارات دوات اطهار بی بندی قوانین مشروطه را نموده قرار شد که اجزای عدلیه را بحسب قانون انتخاب نمایند، چرا که عدلیه اس اساس دولت مشروطه است و امیدواریم به توجه وکلای مجلس مقدس و وزرای عظام و حکمران مشروطه خواه و حضرت سردار جنگ امورات خوب رو باصلاح گذارده بهانه اجنبیان تمام شود هرگاه ادارات قدری از روی علم و وطن برستوکار فرماید محتاج نیست از ارزاق آنها دخل جدید پیدا نمایند، بقایای مالیات و جزئی تعدیل مالیات در

بلوکات و مالیات اصنافی که مالیات ندارند و کرک تریاک و نمک و تنباکو بقدر مخارج ادارات جدید کافی است و انجمن ایالتی بجز خیر دولت و ملت فصدی ندارد و این طور نیست که یکنفر دو نفر آنها بخواهند بنرض رفتار نمایند چون همه درونطق که واحد را داود البتہ جلوگیری خواهند نمود

سیرجان

سابقاً اجمال حال سیرجانرا عرض کرده که زیادخان تالی ابن زیاد را قوام الملک نایب الحکومه سیرجان کرد مشار الیه که از رؤسای سارقین بهارلو میباشد در مدت توقف سیرجان آنچه لازمه یکنفر نزد بی دین است عمل و مداخل زیاد نموده. مثلاً حضرات بجاقبی در شهر عارض شدند که برادر زاده نسام التجار لاری یکنفر بجاقبی را کشته، کلانتر سیرجان بعوض خون برادرش اسندیار بجاقبی را کشته، یکنفر مامور قشقاتی را برای آوردن حضرات در شهر بعدایه مامور نمودند، برورد سیصد تومان مهلتانه از نظام التجار گرفته و سایرین را نیز بد از سر و کیمه بشهر آورده بد از معطلی زیاد و تلگرافات وزیر داخله در توصیه آنها باز قریب چهار صد پانصد تومان از آنها نقد و سند گرفته بالاخره زیاد خان چون هر روز میدید و می شنید که دسته دسته بهارلوهامیرود خراسان هزارها شتر و گاو و طلا و آلات می آورند از توقف سیرجان دلتنگ شده ( که می خوردند حریمان و من نظاره کنیم ) شبانه بی اجازه یا با اجازه نیدام روانه داراب شد تمام اقوام خود را بجهت نظارت سیرجان حرکت داد. پسرها و برادرهای زیادخان واسدالله خان پسر بهادونظام با سایر خوانین و صاحبان القاب که در دوره دولت جابره صاحب لقب شده وارد خاک سیرجان شده یکنفرسختی سیرجان قلعه امیر آباد را تصرف کرده با اهالی مکی آباد و ده یادگار بنای جنگ را گذارده چند نفر از اهالی مکی آباد کشته شده چند نفر از بهارلوهامقتول لاکن چون عدم سارقین زیاد بود ویکروز ازصبح تا سه ساعت شب جنگ کرده تیره آنها تمام شده بهارلومکی آباد را تصرف کرده دیگر آنچه از این فرقه بی ناموس در لار ظاهر شد در مکی آباد نیز از لباس زنها نگذشته بی عصق که امروز هیچ قومی در روی زمین بزن و ناموس

کسی کار ندارد فطرت خبیث خود را ظاهر نموند چون ذکر اعمال آنها باعث لوث صفحات اخبار است باجمالی کوشیم، سه یادگار و بعضی دهات دیگر را ضلوت کرده متدرجا بطرف سعید آباد آمده آقا سعید حسین کلانتر سیرجان با تشنگی و امنیه از هر طرف از آنها جلوگیری نموده بعد مذکور نمودند مبلغی نقد بدهید ما میرویم از طرف سیرجان حرکت میکنیم

هر حال اهالی سیرجان محض اینکه آنها را معطل نماید آفرجی از شهر برسد قبول کردند بولی بآنها داده باشند لذا در نزدیکی سیرجان ساکن شده الحق رئیس نظمیه و غنجهلی خان ایل یکی افشار و مرآت السلطنه و حضرات بجاقچی قریب یکهزار و پانصد نفر با یک عراده توپ بی خبر از بافت حرکت کرده وارد سیرجان شده حضرات بهارلو بنهایت جرئت و جلالت بجهت جنگ حرکت کرده همینکه دو تیر توپ طرف آنها حالی شد تمام فرار کرده آنها را تعاقب نموده جمعی از پیاده آنها کشته و دستگیر شده سوار آنها فرار کردند مجدد خبر رسید از طرف زید آباد جمعی با مال زیاد مراجعت کرده بطرف فارس میروند از کوهستان بارز غارت کرده بودند، نظمیه با سوار افشار و بجاقچی بآنها رسیده جنگ سختی نموده تمام مال غارت شده را استرداد و از بهارلو چند نفر کشته و جمعی اسیر شده لاکن مالی که از دزد ها گرفته میخواهند بصاحبان مال نداده باشند گویا مراتب را بشهر بایالت نوشته تا چه حکم فرمایند اکنون هرگاه از دوات حکم صادر شود ایالت فارس اردوئی با توپ بجهت سرکوبی و قتل و غارت آنها بفرستد و از کرمان نیز اردوئی با توپ حرکت نماید جنوب امن خواهد شد، تا بحال دزدان فارس محض نیک نامی قوام الملک بخراسان میرفتند اکنون قاش بجهت غارت کرمان و سیرجان می آیند اگر دولت اردوئی قابل با توپ بجهت قلع و قمع این خوانین روانه فرماید شاید بقدر شش مکرور متجاوز از شتر و گاو و اسب و طلا و آلات و غیره باید اردوئی دولت خواهد شد، من خود شترهای شهر بابک را در ایلی نصیرالدوله دیدم صاحبان

شتر قدرت نگاه کردن نداشتند، این خوانین که سیرجان آمده همه معروف میباشند، پسرهای زیاد خان برادرهای مشار الیه پسر بهادر نظام حسین خان بهارلو و غیره از اول سلطنت ناصر الدین شاه این رؤسای ایلات خسه بهارلو و عرب اسباب مداخل و پیشرفت کار خود و خرابی حکام فارس را این طور دیده که بهارلو و عرب را امر بتاراج نمایند که دولت ملجاء شده آنها را انجام دهد و آنها را مسلط بر رعایا نماید و تمام ثروت آنها که ملیون ها ملک و احشام و طلا و صدها تب طلا میباشد از دزدی اموال بچاره رعیت کرمان ویزد و خود فارس است.

از قراویکه از شهر کرمان نوشته بودند یککنفر جلودار بزدی که قاطرهای او را دو سال قبل در راه یزد که زوار کربلا کرایه کرده بودند سارقین فارس قافله را زده برده بعد از ورود قوام الملک قاطرها را زیر نه نایب الحکومه قوام الملک دیده بقوام الملک عارض شده وعده بروز دیگر دادند، روز دیگر نه قاطر دیده شد نه عارض را راه دادند، بالاخره بچند پشت کردنی عمل او اصلاح شد، ایک اهالی کرمان با یک سجه و صدای استفاه که تمام اهالی روی زمین بشنوند فریاد می کنند که دیگر رعیت کرمان تاب تحمل طلم ندارند مگر آنکه دوات جلوگیری از دزدهای فارس فرماید، جلوگیری موقتی ممکن نیست مثل اینکه سردار اسعد قوام الملک را حاکم و اهالی کرمان مقرر فرمود، چیزی که بر این ملک انزود این بود که سارقین تمام بلوکات و راه و رسته این ملک را یاد گرفته هر روز با نهایت جرئت بلبهوسانه برای غارت می آیند، دزد که یک شب هزار تومان مال غارت می نماید بضابطی یا نوکری طایفه تومان بست تومان قناعت ندارد، این بی ناموس ها کسب آنها عارت و دزدی است تا بحال مردم کرمان جزئی هستی دارا بودند حال دیگر به مال بجهت آنها مانده نه ناموس، میگویند شب و روز با ضباط و حکام طارا غارت می نمایند یکدینار خرج امنیت مملکت نمی نمایند، این واقعه سیرجان نیز افضل خدا بوده چرا که اردو بجهت مایات افشار و غنجهلی خان تهیه شده بود بجاقچی و خراسانی برای سرکوبی افشار رفته که عداوت

سابقه دارند ، خدا خلعت غنجهلی خان مقبولیت کرده اظهار اطاعت نموده باتفاق بسیرجان رفته جلوگیری از بهارلو شد و الا چند کروو اموال اهالی سیرجان بغارت میرفت ، داد خواه نیز نه بود ، ده بیست نفر سوار امنیه چه کار از آنها ساخته می شود ، قشون کرمان که عبارت از سه فوج پیاده و چه قدر سواره هر سال حقوق آنها از رعیت گرفته شده کجا میباشند؟ اموال رعیت تاراج میشود جان آنها بمعرض اتلاف ناموس آنها در محاضره هرکس از مرکز وارد میشود گویا از قحط بیرون آمده دخل میخواستند ، فریاد دخل جدید دخل جدید میزنند ، قوام الملك طاهرا مواجب خود را تقدیم دولت میکرد فشنگ میخريد نان فقرا را ارزان میکرد کاش بعضی این مرحمت ها جلوگیری از بهارلو ها می نمود یا بعد از عزل اشاره به غارت کرمان نمی شد و اعجاب میخواستند در فارس فرما روا باشند رعیت فقیر کرمانرا تاراج می نمایند در تمام روی زمین مایهات هر شهر باید خرج خود آن شهر شود ، پیشکار مایه مواجب سرباز ساخلو و سایر ادارات نمیدهد که دستور العمل رسیده لاکن بروت حقوق اهالی طهران همه روزه میرسد ، الحاصل ماها از رئیس نظمیه و سوارهای افشار و بیجاچی و غنجهلی خان نهایت امتنان و دارم که زود بسیرجان آمده بهارلوها را شکست دادند ، جناب مرات السلطنه نیز نهایت خدمت را از حرکت توپ و توجیحی نموده کلانتر سیرجان و رئیس امنیه سیرجان نیز با وجود قلت آنها خیلی در جلوگیری سارقین کثابت بخرج دادند

حضرت والا ظفر السلطنه فرمائرمای فارس هرگاه طالب دوام حکومت و نام نیک خدمت بدولت مشروطه میباشند بدون تامل سرباز و سوار و چند عراده توپ با سردار کافی مامور بداراب فرموده این خوانین بهارلو را دستگیر کرده مجازات داده باشند از کرمان نیز استعداد حاضر است بمحابت حرکت نماید و الا مثل سهام الدوله زود بطهران معاودت خواهند فرمود ، یا باید فارس را با خندان خوانین بهارلو واگذار فرمایند ،

این مطلب نیز پوشیده نماید همه بهارلو بجهت دزدی و شرارت حاضر نیست آنها را مجبور مینمایند ، یا دولت امر فرماید پانصد سوار و یک فوج سرباز

لامحاله در کرمان اشخاص جنکی مواجب کافی از مایه کرمان تهیه نمایند که بجهت جلوگیری حاضر باشد ، امنیه در کرمان هست سوار آن خوب است هنوز کافی نیست ، نظریه نیز رئیس آن کافی و برای خدمت حاضر است حالا دیگر بمحدود خود حرکت می نماید سوارهای ایلات بومی را باید مشق داده فشنگ داده حاضر خدمت باشند برای جلوگیری سارقین فارس هرگاه بجهت سیرجان خیالی نه نمایند تمام رعیت ملک و خانه خود را گذارده روانه شهر خواهند شد مالیات را هم قوه ندارند به بردازند اینها از اثر ضابطی زیاد خان است که جناب قوام الملك او را دعوت بسیرجان فرموده ، تعجب است دولت القاب این روسای سارقین را از آنها سلب نمیفرماید! تا مثل مرحوم معتمد الدوله فرمائرمای فارس یک روز عده زرکی از این حشرات الارض را نکشند حساب نمیبرند ، دولت مشروطه و مجلس را باز بچه میدانند با خارج ، بجهت اینکه خان حاتم است مراده دارند غنجهلی خان و صوات الملك و سلطان کوچک افشار خیلی مقولانه غیرت بخرج داده بجهت خدمت دولت و ملت در این هنگامه باتفاق حرکت کردند امید است از دولت و وزارت جلیله جنگ بهمی یاداش داده شود که متدرجا مشق جنگ نموده اردوی قابی تشکیل داده باشند من بعد باید القاب را امتیازات بازاء خدمت داد که دلگرم باشند

تعلیمات اهالی بلوکات کرمان  
( با مضای جمع کثیری )

امیدت فارس بلکه کایه جنوب ایران ممکن نیست الا بیست و رؤسای بهارلو و عرب و عینالو و لشی ، زیرا که فطرت آنها معتاد بدزدی و سرقت شده و قبیح آن را نمی فهمند ، بلکه فخر می نمایند و کسب اغلب آنها از این کار شنیع است و شرف خود میدانند دزدی را ، بعضی از خوانین آنها فشنگ و فشنگ زیاد خریده یا متدرجا تحصیل نموده کار آنها این است که هر وقت صد نفر دو بیست نفر یا کمتر اراده دزدی دارند میروند فشنگ بکرایه میگیرند ، مثلاً ده روزه بیست روزه یکماه در مدت معین بمبلغ زیادی کرایه می نمایند و هر قدر فشنگ نیز میخواهد بقیمة گزاف میخرد همینکه از دزدی و غارت معاودت نمود فوراً کرایه

تنگ و قیده فتنک را بصاحب فتنک میدهند، یعنی دیگر فتنک و فتنک و مخارج داده عدوی را اجیر کرده که روزی فلان مبلغ گرفته بروند دزدی و تاراج حتی اشخاص فقیر نیز گاهی همراه رفته باجرت کم قانع شده برای حرکت دادن و چرانیدن گوسفند و گاو و شتر که بمنزله شبان خدمت نمایند، در این دو ساله بلکه چهار بحسال است که شدت عمل آنها زیاد شده سابقا طای که میبردند پنهان بود و اگر چغل ها بر رؤسای بزرگ خبر میدادند از آنها گرفته می شد، امروز اذن نام دارند متجاوز از ده کرور اموال اهالی خراسان کرمان یزد و سیرجان را برده اکنون قدری رده بالا رفته و محرکین حقیقی آنها معلوم شده که هرکس بگوید تفهیمیدم خلاف گفته است و درجه بی حیائی و بی اعتنائی آنها بدولت و ایالت فارس و ضدیت آنها با دولت مشروطه که باعث انواع شدت از دزدی است مثل آفتاب واضح است و سرکوبی آنها بهیچوجه اذیت ندارد، قلع و قمع خوانین معروف و سیاست روسای آنها و کلانتران آنها را بازمه خلع نمودن، و مأموریت افواج و توپ های کوهی اطریزی از فارس و کرمان در مدت قلیل آنها را ادب خواهد کرد و اینکه چهار روز موقتاً رؤسای آنها را فاعل مختار نماید امنیت موقتی داده باشد هیچ حاصلی ندارد

امروز که رؤسای بزرگ ایلات ایران و رؤسای دولت و ملت محض حفظ استقلال ملی و وطن خود اتحاد نموده در حمایت دولت مشروطه ایستاده در ادای حالیات و خدمات بدولت و ملت حاضر شده نهایت بی حیائی است که ضابط سیرجان زیاد خان بهارلو و پسر های حسین خان بهارلو و غیره و پسر های زیاد خان باوجود ورود نواب والا نظیرالسلطنه فرمانفرمای فارس بشیراز دوهزار نفر سوار و پیاده حرکت داده بسیرجان برای غارت مسلمانان بیایند و علاوه از قتل و تاراج در (کلی آباد) بی عقلی نمایند نهایت بی حیائی است و باید محرک بزرگی داشته باشند،

اگر وزارت جلیله جنگ و وزارت داخله ایران فی الحقیقه طالب امنیت جنوب میباشد علی السجاله همین قشون بی رسم کرمان را امر فرمایند

فوراً نظم نموده سوار و سرباز زیر اسلحه رفته برای جلوگیری حاضر باشند و از فارس نیز عده قشون مأمور فرمایند که این حشرات موذی را از میان بردارند، هرگاه انتظار می کشند که خارجه برای امنیت جنوب قشون خود را داخل نماید امری است جداگانه، سه سال است دولت ایران منروضه شده و مالیات ایران جز بواسطه قشون ممکن نیست وصول شود، در این سرحد معظم ایران هنوز ده نفر سرباز و صد نفر سوار معین نشده سوار امنیت و ژاندرم که بدرد جلوگیری سارقین فارس و امنیت بلوچستان نمیخورد عدد صاحبان منصب و قصاب اربعه هم از چیز اخصی خارج است، لکن چه حاصل که بوجها هرروز می آیند شتر رعایا و دهات آنها را غارت می نمایند، معالجه فوج و سوار زمان استبداد که علم لازم ندارد الاث باید تهیه رفتن بلوچستان را دیده که اول پانیز قشون بطرف بلوچستان حرکت نماید، با همان اشخاص سابق امروز فقط لباس مشروطه خواهی پوشیده و بنام مشروطه هزار درجه بدتر با اطمینان کامل و شدت عمل مشغول اعمال سابقه میباشند، بدیه در هر شهر برای اصلاحات ملک لازم است دخل مخصوصی دارد دخل قبان داری، رامداری، تنک، ایون، و غیره را مأمور مخصوص آمده میگیرد و یکدیگر بجهت مخارج این شهر میدهد، مالیات را پیشکار مالیه با نهایت سختی مطالبه نموده میگیرد وزارت مالیه حکم فرموده تمام بمركز برود یکدیگر صرف مخارج لازمه این ملک می نمایند،

زهی بدبختی اهالی کرمان که رؤسای فارس میخواهند حکومت فارس را بوز باطاعت خود نمایند فوج فوج دزد بغارت کرمان میزاستند بدون قانون و بدون صحه مجلس مقدس هزار جور مالیات جدید بدون ملاحظه و بدون تعدیل از این خلق فقیر اخذ مینمایند، کرانی نان بحد کال، قشون و سرباز معدوم، عده پلیس و ژاندرم معین شده صاحب منصب و رئیس بجهت مواجب و مخارج آنها حیران و اگر بهمین منوال باشد عما قریب متفرق خواهند شد، امروز باید متدرجا ادارات ما را دایر و اول در خرج قناعت نموده در امنیت و آبادی بکوشند تا دخل مملکت متدرجا

زیاد شود، اگر بنا باشد از اول خارج زیاد نمایند و امنیت نیز سلب شود هیچ اداره دائر نخواهد شد اگر جزئیات خرابی این ملک را خواسته باشیم شرح دهیم ممکن نیست در اغلب بلوکات اشخاصی هستند که صد ها گوسفند دارند یکدینار مالیات نمیدهند و اشخاصی هستند که یک رأس گوسفند ندارند مبلغ گزافی بضرر شکنجه از او مالیات گوسنندی میخواهند، هرگاه تعدیل نمایند مالیات گوسنندی بهر گوسنندی ربع قران تعلق میگیرد، مبنی نیز و مالیات گوسنندی افزوده می شود حال بقران یا دو قران از کسی که مثقالی شیر گوسفند ندارد بخورد بضرر جانی میگیرند، هرگاه ما انتظار بکشیم که ده سال دیگر مالیات تعدیل خواهد شد دیگر رعیتی باقی نمی ماند، بعضی مضربین از مردم خارجه میگویند ایران ها ممکن نیست ترقی نمایند برداشت خوبی کردند لکن باخر رسانیده و سبب این است که دزد های منت خور در ایران زیاد است، آنها ولوائیکه اسم قانون را یاد گرفته میگویند طالب مشروطه و عدالت میباشیم دروغ میگویند، گوشت و پوست آنها از مداخل و رشوه و غارت رعیت روئیده، لذا در معنی دشمن مشروطه میباشند، مشروطه که حقیقت عدالت و عین اسلامیت است در انظار ملت زشت نمایانده، آنها که ملانما و رشوه خور بوده عنوان وادینا نموده صد هزار فسق و فجور در زمان استبداد واقع می شد آنها شاکه نه بوده بلکه اعلیحضرت را سایه خدا و حاکم حار را سایه خدا می خواندند، می گفتند دستی که حاکم ببرد دیه ندارد، امروز بمحض اینکه یک جزئی تحلی از کسی دیدید مشروطه خواه را کافر میخوانند آنها که رئیس و بزرگ کشوری و لشکری میباشند باسم قانون و مشروطه بدر رعیت یا نوکر را سوخته ده درجه مداخل و بی قانونی آنها زیادت است ضابط رعیت را جریمه می نماید میگوید مواجب ندارم خرج دارم حتی رؤسا اغلب گرفتار اغراض، نفاق قاطبه ملت را فرا گرفته یک طایفه هم مشروطه نما شده معنی تمدن را در این میدانند که ظاهرا خود را مثل خارجه آراسته باسئمال منیبات و پشت یا بمذهب زدن انسان ترقی میکند، هیات هیات، علم فرنگی خوب است که تالی اعجاز رسیده

نه لباس و عادات و زبان، مگر خداوند قلب مایهقی باها کرامت فرماید، حکای، تاخرین ما که بشویم تحریر و تقریر ایران را مشروطه و صاحب قانون نموده لفظ قانون که کفر میدانستند امروز بزبان عموم ملت جاری است کلمات آنها را ملاحظه فرمائید چه قدر توسعه در حفظ دین و ایمان فرموده، مرحوم سید جمال اسدآبادی در کتاب رد بجزریان هندوستان می نویسد، دین باعث نظام عالم است، مرحوم میرزا ملکم خان با اینکه ارمی بود در اصول تمدن ملاحظه فرمائید می نویسد، من مسلمان نیستم می گویم قوانین اسلام بهترین قوانین است، جناب طالب اف در اغلب مرقومات و کتب خود توبه دیانت را فرموده بلکه مراتب توحیدانسان از ملاحظه مرقومات ایشان ترقی می نماید و از آزادی مطلقه و بی اساسی اروپائیان چه قدر مذمت می نمایند و در کتاب مسائل الحیات آزادی، مذهب و گفتن و نوشتن را مطابق کلمات بینات حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه بیان نموده مقید می سازند نه مطلق

اشخاصی که از طغولیت بی دین بزرگ شدند و توهین بمذهب و ملت نمودند همانها هستند که همیشه، پای خمره شراب ارانه بی اختیار افتاده حب وطن دیانت ناموس برستی چه میدانند، همین قدر دخلی کرد آورده بروند فرنگستان عیاشی نمایند و آروی ملک و ملت و دین و دولت را به برند، تعجب است احترامات کاپساها را اروپائیان بجهت سبب نگاه میدارند؛ دولت انگلیس که اول دولت متمدن روی زمین است ملت آث از تمام مردم اروپا زیادت را پای بند مذهب میباشند، مشروطه در ایران محال است استحکام یابد مگر آنکه اهالی ایران بمذهب خود راسخ باشند مساجد خود را پاکیزه مقدس نگاه دارند دین خود را حفظ نمایند

حیرت ما این است که در این مدت هر قومی بخمال ترقی خود افتاده انجمنی تشکیل داده برای پیشرفت مقاصد خود گفتگوئی کرده الا علمای شهر کرمان، آنهائی که از مراعات دخل میبردند و حالا ممکن نیست حق دارند که انزوا اختیار نمایند لکن علمای متقی که نباید از خدا قهر نمایند خوب است باهم اتفاق میفرمودند انجمنی بجهت تعمیر مساجد و موقوفات و تنظیم مصابد تشکیل داده

منوره میکردند و موقوفات را از غاصبین اخذ و خرج مدارس مینمودند یا از مسلمانان و خیرین بعنوان خیرات اخذ و خرج میفرمودند لظم قانونی بحیثه خدام مساجد میدادند با اینکه شبانه روزی چهار دفعه در این امکنه مقدس حاضر شده نماز میگذازند لکن بکلی توجهی بمعبود خودشان که باید در این مکان مقدس اثر مآرف و خدا پرستی و دیانت و آداب عبادات و معرفت اصول و فروع دین عمل آید نمیفرمایند. مساجدی که از هشتصد سال و شش صد سال با کرور ما پول صرف و خرج شده معبر عام هر بی تمیز و خراب و ویرانست در محراب مسجد جامع محمد مظهر که تمام از سنگ مرمر موشح با آیات قرآنی و با کاشی معرق زینت یافته از کثافت دود چراغ های کثیب سیاه و بوی عفونت آن اسان را ادت میکند. همه روزه در همان محراب نماز خوانده منع نمیفرمایند و امر به تطهیر نمی نمایند. بلی از همین حالت ها مردم جاهل اعتقادات آنها قاسد می شود عبادت منحصر به نماز و روزه نیست هر ار حیف که بحارحه رفته مساجد مصر و اسلامبول و هندوستان را ندیده ایم!

#### امان نظر در این چند فقره

حال امروزه ایران و ایرانیان مورد اسی توجه و مطمح نظر سیاسيون شرق و عرب عالم واقع گردیده. در بدایت ترقی و اعتلاء هیچ قوم یا در اواخر فترت و اضمحلال هیچ ملتی سکات و مطالب سیاسیه شان بدین اهمیت واقع نگردیده و بدین اندازه مورد مباحثات متشنته شده است. چنانچه سیاسيون اروپا از دیر زمان قطعه وسیع هند را برای اجرای خیالات و محض پیشرفت مباحثات سیاسیه هر روس زیبای روی کره مینامیدند همچنین مملکت ایران را بواسطه اهمیت موقع برای نفوذ اقتصادی و تجاریه مینوان اول قطعه و مملکت مهمه عالم نامید. بلی در نظر اشخاصی که از عوام سیاسیه دور و مهجورند موقع و منظر مملکت ایران اهمیت نداشته و نخواهد داشت. ولی در انظار سیاسيون دقیقه شناس مملکت ایران خود را از هر حیث و از هر جبهه نقطه اولی جلوه میدهد. اما هر صولاتیکه وزراء کرام هر یک بوظیفه خود عمل

نموده و بخوبی از عهد شغل خویش برآیند. یعنی وزیر معارف شب و روز در موجبات ترقی علم و تعمیم معارف کوشیده یا بتعلیم اجباری یا بطور دیگر مدارس متعدده در ایالات و ولایات حتی قراء ایرات ترتیب دهند و همچنین سایر وزراء برای پیشرفت شغل خویش مآرف سهل و ساده اختیار نموده و تفافل نورزند. آنوقت معلوم است که ملت ایران با ایسکه قاطبه دول و ملل مذکورات و موش فطری آنان اذعان دارند در اندک مدتی ترقیات فوق العاده نموده و چنانکه امروزه ترقی و ترقیات دیگران مایه رقابت ایرانیان گردیده آنوقت ایرانیان محسود آنان واقع خواهند گردید. ولی افسوس که برای نمایش ملیت خودمان تا حال اقدامی ننکرده و مانند مواد حامده احساسات خودمان را بروز نداده و همچنان در خوابیم که گوئی بیدار نیز نخواهیم شد. و بقول آقا میرزا آقای مجتهد وکیل و نماینده فارس در مجلس «وزرای ما تا حال در ازاء بحالی و اجحافات دولت روس یک پروتستی که حاکی احساسات ما باشد تا حال بدول نموده اند. و فقط در خیال این بودند که اقوام و اقارب خود را به شعل و مناصب عالیه مائل دارند و ابدأ در خیال حال اسف اشغال ملتی که جان داده پول داده وقت صرف نموده و سایر اقدامات را بعمل آورده بودند. روس هم که مارا در این خواب تمتد و اعراض شخصیه طولانی ملاحظه نمود خود را آزاد دیده و از اجحافات چیزی فروگذار نموده (رجوع نمایند به شماره ۱۳۵ مجلس به لایحه آقا میرزا آقای مجتهد نماینده فارس) و حال آسکه ملت بعد از آهمه خسارات فوق الطافه نیز حاضر بود که هر فرمانی امانشان داده اطاعت نمایند. نه ایسکه اقدام باحمام و طینه خویش نموده بلکه بکار های سیاسیه که کسی بسی زحمت نیز بود اقدام نکردند که موجب حفظ استقلال ایران باشد. از قبیل اتحاد سیاسی با آلمان و عثمانی و غیره. در بدو امر مشروطیت (دکتر رومانی) و (دکتر لسیژن) در بران برای اتحاد با ایران انجمنی دوست نموده و ترتیب دارند چون از طرف امنای ایران اقدام باین امر مهم نکرده اند آن انجمن اندکی پیش بیاید و زحمت خیر خواهان آلمان درباره ایران تمام به

بالکلیه وزرای ما کدام مسلک مستقیم سیاسی را تا حال قبول نمودند که ما خبر نداریم؟ با بگویند کدام اقدام سیاسی از قبیل اتحاد یا استقراض یا خرید اسلحه یا تجویز قشون نمودند که ما اطلاع نداریم؟ جز اینکه وافسا بوده و هر یک مشغول کار خود بوده است.

وقتی که ناصر دیوان را حکومت موقتی قزوین نمودند (پارسال) ناصر دیوان مطالبات زیادی داشت و نمی توانست آنها را اخذ و دریافت نماید در مدت حکومت خود که بکاه پیش طول نکشید از صبح الی شب فرانس های حکومتی را کلاً مشغول اخذ مطالبات خود نموده بود و ابدأ بکار مردم نمی رسید یک نفر لطیفه گوئی خوب گذت که برای ناصر دیوان خدا و حضرت عباس خوب ساخت اگر قدرش را بداند و وقت را از دست بدهد، از شا میپرسم مگر حال وزراء و امنای ما نیز از این بود؟ گرچه این حرف ها شنوده را قرع سمع میناید، ولی این عیوب را ما خود بختم گریان و سینه سوزان گفته و امنای خود را متنبه سازیم بهتر است تا خارجه این گونه حرکات را با مقالاتی سوزنده تر از برق و خنک تر از یخ ما مسخره و قهقهه تخریج و ترحم نمایند، بی ما خود بگوئیم بهتر است، زیرا که مورت اخذ نتیجه خواهد شد تا خارجه نگوید که ملت نمیداند یا می تواند.

شمارا بخدا ملاحظه فرمائید اجحافات و اقدامات سخیفه دولت روس، روزنامه دیل نیوز را بسدا آورده و در هر نمره اش بحال ایران گریه و زاری مینماید ولی امانا و رؤسای ما را هنوز کبک نگزیده و خبر شایسته، گوئی این قزاق ها امداً در وطن ما نیست و اححافات آنها برعایا که حفظ آنها فرض دمه شان است دروغ است، کو آن اهت نادری، کو آن قوه قویه ایران و ایرانیان، مگر هر دولتی که مسلمانان است و از مسلمانان است باید اول ملت بست، ملت گدا، ملت خوار و ذلیل باشد؟ نه نه چنین نیست دول اسلام را اروپائیان بخواب برده و برای آنها لای لای میگویند و ملت اسلام از همه بیشتر سخت در خواب است و موقع بیداری آن نیز معلوم نیست در صورتیکه چه وقت دزد ها در خواب سر شانی ریخته و فارتشان خواهند کرد معلوم است.

ها و هدر رفت، و همچنین انجمن اتحاد درباریس و هم در اسلابول و هم در مصر که چون از طرف امنای ایران تقوی بعمل نیامد کان لم یکن منسوخ شد مذاکره قرضه آلمان بآن اهمیت را بد از آن همه اشتها زیاد مهمل گذارده تا بالاخره متروک گردید، با اینکه منافع سیاسی این مذاکره از مدیهیات بود روز تاجات ملی نیز در پایتخت با آب عظمت منافع بلتیکه و سیاسی این مذاکرات را کتر نوشته و مردم فهماندند، با وجود اینکه مقتضای سیاسی ما این بود که اگر محتاج با استقراض نیز نبودیم استقراض را بسمل می آوردیم و بعضی امتیازات نیز بدولت آلمان میدادیم و سعی میکردیم که امور اقتصادی آلمان روز بروز در ایران پیشرفت شود.

باری مقصود در اهمیت موقع و مندر مملکت بود که ما باین مسئله اهمیت نداده و هیچ می شماریم. خوب است که امنای ما حال بمقتضای وقت امروزی رفتار نموده اتلاً مسلک سلاطین و حکام سابقه را از دست بدهند، یعنی به باند که سلاطین خارجه سابقه چگونه هم خود را مصروف بدین نکته نموده بودند که کلیه رعایا را از خود راضی نموده و محل شکایتی برای آمان مانی نگذارند، شکایت رعایا را باید گوش داد، شکایت رعایا را در صورتیکه گوش ندهند نتایج وحیبه خواهد داد، چنانکه در تبدیل سلطنت استبداد با شرایط ملاحظه نمودیم هماطوریکه ممکن شد بواسطه سستی زندگان و نجات خود سلطنت مستبده را مشروطه نماید نمکس آن نیز ممکن است و هیچ امتناع و عراضی نخواهد داشت، اگر یک نفر وزیر یا یک وکیل یا یک نفر از رؤسای ادارات این سطور را خوانده و هیچ اشاره جهتش این است نه سیاسی کم میداد، شخص دانا و با سیاست در اول نظره ملتفت خواهد شد که این مقاله ناطقه چه میگوید و مشتق و مأخذش چه چیز است، عیب در اینجا است که اغلب از وزراء و وکلای ما کم سیاسی میداند، بی نمیداند و خودشان نیز نمیخواهند که بدانند و میداد که سیاسی نمیداند در این خطوط نیستند مقید طادات ذمیمه و گرفتار اخلاق مردوده دوره استبداد هستند، اگر غیر از این است بده از ایشان سؤال میکنم که در این چند ماه سلطنت مشروطه و اطاعت فوق العاده ملت و تقدیم شدنشان

آه آه... افسوس صد هزاران افسوس .

گویند و قهقهه امواج دشمن از هر طرف بایران رو آورده و نادرشاه بافر نادری گاه از طرف مغرب گاه از اطراف دیگر آنها را تعاقب نموده و از سرحد طبیعی ایران بیرونش نموده و هم پوست سرحد میافزود با ذریباجان رسید . سئیری از طرف دولت روس در موقعیکه نادر شاه از جنگ بر آسوده و دست و پای خونین در زمین خشک و خالی نشسته و يك تکه نان در دست گرفته میخورد ملاقات نمود و گفت امپراطور میگوید تکلیف مرا با خود همین مآئید ( در صورتی بود که روسها طرف شمال ایران را بالنکبه تصرف نموده و در آنجا قشون داشتند) نادرشاه فرمود برو با امپراطور بگو که نادر داشت با خوش خود غذا میخورد . گشت این جواب نخواهد بود جواب مسکت صحیح بدهید . نادر جواب داد تو فهمی برو همین طور بگو و بگو که نادر میگوید قشون خود را از ایران بیرون کشیده و بی کار خود بروید و الا با همین حال تا پشت دروازه پترزبرگ خواهم راید . سفير رفت و بیعالم را داد و روسها بدین حرف قشون خود را از ایران بیرون بردند . حال کدام يك از امنای ما این صدمه را دارند . روسها نیز ما را خوب و خوبتر شناخته اند که عصمت ما را امروز سخت تر از دیروز بیاد خفا میدهند . در این صورت باید چشم خود را بسته و خودمان را به فهمی بزیم و بگوئیم . وزواء و امنای ما ماشاءالله خوب کار میکنند ؟ یا باید آنها را متنبه سازیم !

ای مسلمانان اقلأحرکات ملت بود را سرمشق خود قرار داده و بهینند که چگونه شب و روز بی تابانه برای مجموعه ملیت خودشان کار میکنند . امروز در امر تجارت و تمول و علم و معارف نسبتاً مقدم ملل و دولتند . شش نفر از این طایفه مسیو (لئون) و (مسیو استرک) و غیره جندی قبل در پاریس انجمنی کرده و مذاکره نمودند که اگر حال ما چنین بیاید ملت نیا اسرائیل مهمم میشود برودی . لذا توسعه و تعمیم معارف کوشیده شش نفرشان هم تمام تمول خود را که مبنائی بوده است صرف ابناء ملت خود میباید که امروزه دارای چندین مدرسه عالیه در کمالک بنهاده بوده و نصف زیاد ترشان عالم و

دیپلوم گرفته هستند . ولی ملت و دولت اسـلام هنوز در فکر نیمة القاب و اشغال هست . انجمنهای ایالتی و ولایتی ما کمتر مردمان سیاسی دان و کارکن و بیغرض و بی طمع دارد . وقتی که وارد بانجمن میشوند جز تعارف و تواضع و احوال برسی و صحبت چیز دیگر درکار نیست ؟ چرا این طور است ؟ برای اینکه سیاسی دان در میان ایشان کم است . بکنفر شاگرد دفتر دار فلان اداره قدیمی دواتی را بواسطه قطر و قواره بیآورند نیابت و ریاست بدهند بهتر از این نخواهد شد ؟ بی بهتر از این نخواهد شد . خواب نوشین بامداد رحیل

### ❦ اخبارات اداری مشهد ❦

پس از عزل آصف الملک ریاست عدلیه خراسان موقتاً به مجیرالدوله محول شده و مشارالیه هم فعلاً از عهده کار برآمده . دو هفته قبل حاج ابوالقاسم نزاز را اجزای نظمیہ شبانه گرفته و در نظمیہ حبس میکنند . گویا مشارالیه دو روز قبل گفته بوده است . یا رئیس نظمیہ از خلاف قانونیهایی خود دست بکشد یا برای تهدید او حاضر خواهم شد ایستاده سبب گرفتاری او شده جناب ظهیر السلطان که این اتفاق را میشوند کاغذی زیر رسمی بر رئیس نظمیہ نوشته و استخلاص حاج ابوالقاسم را تقاضا میکند . معتمدالوزاره استکف ورزیده میگوید چون کاغذ غیر رسمی و امضای صحیح هم ندارد قابل اعتنا نیست . نیم ساعت بعد خود ظهیر السلطان میبرد نظمیہ و میگوید چرا بنوشته من عمل میکنید همان جواب را میشوند . پس از آن میگوید حالا که خودم آمده ام حاج ابوالقاسم را بیاورید . معتمدالوزاره میگوید اینجا نخواهم آورد در یکی از اطرافها حبس است خودتان بروید او را هر کجا که میخواهید ببرید . میگوید میخواهم بدانم جهة حبس چیست ؟ جواب میدهند جهة آن را هم حالا نمیگویم حرف همان است حاج ابوالقاسم را اگر میخواهید ببرید در آن اطاق است خودتان بروید و ببرید . ظهیر السلطان میبرد و حاج ابوالقاسم را هم میبرد قبل از استخلاص مشارالیه جمعی از کسبه تر کبرای وقوع این مسئله غیر متزقبه اجماع کرده بودند ولی پس از خلاصی او ساکت شدند . حقیقت این مسئله



هنوز مهم است تا بعد چه معلوم شود ،  
دیگر پس از عزل و صکن الدوله باهتنام  
صیرر السطات معاون ایالت در دیوانخانه ارك  
مجلسی از رؤسای ادارات تشکیل شد که در آن  
مجلس که از اول غروب تا نیمی از شب مدت دارد  
روسا حاضر شده و از مصالح ایالتی گفتگو کرده  
و عمده مقصود هم رفع کدورات دیرینه ادارات  
و هم چشمهای خنک رؤسا بود ( چنانکه تشکیل  
يك چنین مجلس را جریده طوس ۶ ماه قبل عنوان  
کرده و در جبلالقیین عن آن مقاله مندرج بود )  
ولی افسوس که بواسطه فوت يك نکته این مجلس  
دارد از استحکام می افتد و آن ایست که محل این  
اجلاس را فقط در کابینه ایالت قرار دادند و این  
نکته اگر چه بصورت صحیح است ولی در مقابل  
اعراض بعضی کج نشان صواب نموده چنانکه از  
همان مجلس اول یکی دو نفر از رؤسا یعنی کشیده  
و حاضر نشدند و اگر هم حاضر شدند وقت ختم  
مجلس آمدند و بالاخره باز بازار غرض رواج شده  
و مجلس که در جلسات اولیه مطالب صحیحه عنوان  
میشد محل منازعه و بگو بشنو شده مارا بنا امیدى  
دعوت میکند

رئیس اداره معارف و فواید عامه و اوقاف چون  
حکم رسمی متقی از وزارتخانه خود نداشت در  
انجمن ایالتی مورد نقادی واقع شده و مأمور بتعطیل  
اداره و کندن ( تابلو ) کشته است

رئیس دوائر تلانه میرسید تقی خاں که  
چندی است وارد شده هنوز نمایش عالی نداده و  
بمقتضای س خود حرکت میکند اگر پس ازین  
کارهایش مورد دقت شود بعرض خواهم رسانید ،  
اگرچه در خراسان مثل جاهای دیگر قانون حمل  
اسلحه مجری است ولی سوارهای افشار که متعلق  
پیار محمد خان سردار سعید رئیس قشون خراسان  
هستند علی غیر رسم با تفنگ و فشنگ حرکت میکنند  
از طرف نظمیه هنوز جلوگیری نشده و در مورد  
خنوگیری باز بین این دو اداره اسباب تقار فراهم  
خواهد آمد

#### وضع درونی مشهد

مردم مشهد قاطباً از سه فرقه تشکیل میشود ،  
۱ فرقه اعیان و اشراف و عظامیان بی مسلک ،

این فرقه که سلطه مطلقه خود را فدیه اشراطیون  
میدانند بدیهی است که يك قدم بطرف استقلال  
ایران رفته و بسط ید قانون ملبان را ماحی همه  
چیز خود میدانند و در القاء شبهات و نشر اخبار  
مجموله بهیچوجه کوتاهی نکرده و نمیکند ،

۲ فرقه کسبه و بعضی تجار و اواسط وادانی  
ما سند - این فرقه هم زور ناطقین و جراید و  
امپوارهای عقلا و بالاخره بواسطه دستخط و حکم  
حجج اسلام روش مشروطه را با شرایط آن گردن  
نهاده ، ولی باید دانست همان قسم که این اشخاص  
طوطی وار لفظ مشروطه را ملکه کرده و عقلاً و  
وجداناً به حیثیات آن برنخورده اند همان طور باندک  
اشاعه ترك قانون طلی گفته و ملکات سابقه خود  
یعنی عوالم استبدادیه را متوجه میدارند ، و ابدأ  
باحساسات درویش آنها اطمینانی نیست ، حسن آنان  
را حکم سراب و ثبات آنها را حال حباب بر سر آب  
است ، مولای مطلق متوجه همین نکته شده و  
فرموده است

( الناس اما عالم ربانی او متعلم علی سبیل النجاة -  
والمقبای همج رعاع یتیمون مع کل نا حق و یملیون  
مع کل و یح لم یستضیوا بنور العلم ولم یلجوا الی ركن  
وثیق ) آری همین اشخاص که بموجب حکم حجج  
اسلام و بتوت سخن سخنوران و خامه نویسندهگان  
براه آمده و چنان شدند که اسلحه برگرفته و  
بمدافعه وطن پرداختند ، باز هم آن است که بهمان  
اشکال برگشته و بر علیه ما در ایستند ، فرقه دیگر  
معدودی هستند که بعضی در ادارات و گروهی  
در میان کسبه و تجار اند ، اینطایفه که در تحت الشماع  
بواقی واقع شده اند با کمال مجاهدت در پیشرفت  
اساس اشراط میکوشند و در رفع شبهه و تکذیب  
اخبار مجمله بی نهایت سعی و حاحندند ، اما افسوس  
که با واقعات غیر منزهه که در این یکی دو هفته  
بدبختانه پیش آمده سر رشته صلاح را دارد از دست  
آمان بیرون میبرد

دو روز قبل چند دسته لایحه چاپی به مشهد  
وارد شد که مضامین آن از روی نهایت دقت نوشته  
شده ولی افسوس که اطرافیان بی مسلک آن  
توصیه نامه محرمانه تلگرافی را که بناصر الملک  
و نایب السلطنه مخاره شده بود بدون دور اندیشی

سوم - حساب جدید بسیار سهل و ساده و آسان  
مشمول بر تمرینات و مسائل عملیه فراوان  
چهارم - مسائل شرعیه عملیه مطابق فتوای حجة  
الاسلام آية الله آقای خراسانی مدظله  
پنجم - جغرافی ابتدائی  
طالبین - بمدورسه سعادت بوشهر توسط جناب ...  
آقا شیخ عبدالکریم سلمه الله تعالی رجوع نمایند

### تقریظ

این هفته يك جلد كتاب نحو دبستان که از  
تألیفات و مختصرات بدیعه طبع صافی ادیب یگانه جناب  
آقا شیخ ابوالقاسم نحوی مجد الادبی قزوینی است  
ب اداره رسید ، الحق کتسای است در خور بسی  
ستایش و سزاوار بسی نیایش ، این کتاب اولی کتاب  
نحو فارسی است که تألیف شده زیرا که تا حال نحو  
الفاظ عرب را بزبان فارسی ترتیب و تدوین ننموده اند  
و آنکسی بدین سبک دل بسند و خوش صرح که  
بواسطه حل سهل و ساده متعلمین و ابناء وطن را  
به ضبط مطالب و نکات جلب حواس می نماید ،  
تقریظاتی که در آخر همین کتاب علماء این فن  
نوشته اند میتوان گفت که یکی از هزار و قطره  
از بحر بدیعه آن کتاب شریف نیست ، اگرچه کتاب  
عوامل ملاحسن که از تألیفات بدیعه جد بزرگوار  
معظم اله است و برای مبتدیان این علم خود را  
به ابتدائیت بایش میدهد ولی مبتدی که هنوز يك  
قطره از اصطلاحات محورا نسنیده و ضبط خاطر ننموده  
است نمی تواند بهره اصطلاحی و لغوی از آن کتاب  
بردارد

هر کس که طالب این علم است لازم میباشد که  
بدینا این قبیل کتب را که بزبان وطنی خود او است  
تحصیل مطالعه و مرور نموده و با اصطلاحات محو آشنا  
به شود ، و الا چگونه میتواند بطوریکه منتظر است  
بزودی در این فن ماهر به شود و هم بدین جبهه  
است که طلاب وطن عزیز ما با اینکه چقدر زحمت  
کشیده و صدمه میبرند معینا از صد نفر يك نفر درست  
از قال و قبول بیرون نیاید ، امیدواریم که سایر  
دانشمندان تقلید بدین سبک تازه نموده و طلاب را  
از اشکالات صد ساله بیرون آرند ،

بهبوده وزارت جلیله معارف و علوم است که  
در اینگونه موارد سعی بلیغ بعمل آورده انجمن مرکب

مال بقی بطبع رسانیده و هزارها در اطراف مملکت  
در میان همان هیچ رماع و مردمان سست عنصر که  
حالتشان ذکر شد منتشر کردند ، خیلی غریب است که  
این لواحق در شمال ایران بیشتر انتشار یافت ، باری  
بمحض رسیدن يك چنین لایحه مریدیه که از ذوالفقار  
علی خونریز تر و از پیراهن عنان فتنه انگیز تر بود  
بدرودیوار کوجه و بازار مشهد جیبایده و بولایات  
دسته دسته فرستاده شد ، آری همان مردم بی سلك  
وقت که جمع شدند و لایحه را خواندند بدین است  
که چه گفتند و چه خواهند گفت بلکه (چه خواهند  
کرد) افسوس !!! دریغ !!! که هنوز نمیتوانیم  
بی برده دردهای دل خودمان را اظهار کنیم !!!

### جبل المتین

شبهاتی که از عنایت لایحه مذکور در قلوب  
عوام ساری میگردد بحمد الله از لایحه هیئت علمیه  
مخف اشرف که دو هفته قبل در جبل المتین درج  
شده مرتفع میگردد - و ما از پیروان شیخ فضل الله  
خواهش میکنیم که باین گونه مستمسکات دست از  
غریب عوام ندارند وساحت مقدس حضرات آیات الله  
مخف اشرف را با خیالات میثومه خود مشوب  
سازند که نور خدا خواوش شدنی نیست

### اعلام

معارف پروران و ترقی خواهان و هموطنان معظم  
که طالب تربیت و ترقی و تعلیم ابناء عزیز خود  
می باشند بوجود کتابهای مفیده دیل در مدرسه  
حبارکه سعادت بوشهر بشارت میدهم

اول - سلسله میزان التعلیم از ابتدای تا چهارم ،  
بیج مجلد بهترین سلسله کتابهای تعلیمیه فارسی مصور  
و مشتمل است بر تمرینات و پرسش و معانی کلمات  
جدیده و فوائد لغوی و مطالب علمیه سودمند و  
نصایح و بند بقسمی که متعلمین از خواندن آنها نفع  
و لذت میبرند و هیچوقت از تدریس آن خسته و  
ملول نخواهند شد ، کتب مزبوره وقت تعلیم را مختصر  
و زحمت معلمین را کم و راه ترقی متعلمین را سهل  
و آسان نموده است

دوم - انشاء جدید نویسندگان و تمام منشیان را  
بهترین هادی و رهبر است مشتمل است بر هشت فصل ،  
از خاتمه جناب ادیب ناضل و دانشمند کامل آقا  
میرزا محمد منشی قونسلخانه انگلیس است

مکتوب مظالمه از اصفهان

خاطر مبارک تمام اهالی ایران مسبوقست که در  
گاهی است مجلس عدل و احقاق حقوق در ایران  
نبوده و به این جهت تضییع حقوق مردم شده  
چه املاک که بنصب تصرف شده وجه اموال مردم  
که غارت شده و چه خونهای ناحق که ریخته شده  
و چه املاک موقوفه که جهت مصارف خیریه و  
معارف بوده از میان برده اند و حاله که بتوجهات  
امم عصر بحواله تقالی فرجه قانون عدل و مساوات  
جاری است امید است احقاق حق بشود بنابر  
این تمام اهالی ایران وساکنین آنها از تبعه خارجه  
بدین عریضه عاجزانه مسبوق مینمایم که قریه (سلاآن)  
واقعه در ملوک لتجان اصفهان و قریه شروانات  
واقعه در محل مذکور که بتصرف نواب والا آقای  
اکبر میرزا پسر ظل السلطان و آقای عباسقلی خان  
داماد ظل السلطان میباشد نصب است و از موقوفات  
مرحوم آقا میرزا فضل الله شهرستان است و (سلاآن)  
مذکوره عاجزانه ایشان است و آنها از جهات متعدده  
باطل است و حاله بدایه اصفهان منظم هستم .  
و هم چنین قریه جروکان که در تصرف آقای سردار  
اعظم و ادر آقای عباسقلی خان است وقف است .  
خاطر جلگی مستحضر بوده باشد که هرگاه ایشان  
بخواهند نقل و انتقال بدیگری نمایند کسی اقدام بخرد  
آن نماید که خرید آن باطل و مشتری اقدام بضر  
خود کرده

داعی معین الاسلام ناظم

مدرستین علیه و ایام اصفهان

تذکره حضرت حجة الاسلام آقا میرزا

( ابراهیم مجتهد محلاتی از شیراز )

به طهرات

نوسط آقایان وکلاء محترمین فارس دامت تائیداتهم  
مجلس مقدس شورای ملی شیدانه اوکانه از بعد از  
طلوع کوکب دولت جدید و افتتاح مجلس مقدس  
عموم ملت مترصد بودند که مساعی جمیده در حفظ  
استقلال مملکت که اولین شرط اساس اصلاحات لازمه  
است بنمایند و بتدایر حسنه بقسی که منافی نزاکت  
بین الملل نباشد در اخراج قشون اجانب لازمه فعالیت  
خود را بمنصه شهود برسانند ولی متاسفانه ملاحظه  
میشود که امناه ملت و اولیاء دولت که قوه مافیه

از چنین ادبای با فوق جمع و امر نمایند که کتب  
علمیه را بدین طور خلاصه نموده و بزبان وطن  
بکارند که هم ترویج زبان وطنی بعمل خواهد آمد  
و هم در اندک مدتی محصلین فارغ التحصیل میشوند .  
باری از مظم الیه از زبان طلاب این فن شریف  
که اساس علم مذهب بدان است تشکر نموده و قدردانی  
این نحو کتب را توصیه می نمایم

طالبین - در مشهد رجوع بمولف نمایند

خوش اخلاقی

در شماره پنجم سال هیجدهم در صفحه ۱۶ در  
سنون دوم در سطر ۱۶ چنین مینویسد « اگر بخواید  
خشن بشود و خانی را زیارت کند نیم ساعت در  
قبره خانه سرگذری می نشیند من میتوام اطمینان  
بدم که از خشنای جراید آبدار تر کنایه دار تر  
خواهد شنید » این مطلب را که خواندم فوراً متذکر  
این شعر شدم

( در جهان فیل مست بسیار است )

( دست بالای دست بسیار است )

و برخود واجب دیده که عرض کنم اگر کسی  
میخواهد خشن های ماکره غیر مستعمل بلند بزرگ  
قصور صد فرسخی دویت فرسخی یا صد فرسخی الی  
ماشاء الله بشنود که در عمرش شنیده باشد و از هیچ  
لاط بست چرکین و پاسبان مازاری ندیده باشد هر  
قسم پیشرفتنش باشد ولو بای پیاده خود را برساند  
جنب دارالحکومه مرکز کل بنادر که مسی بچهار  
برج است ، لخته گوش فرا داده طلب مغزرت برای  
یمای شاعر نماید که روح پاکس خبر از این عبارات  
داشته و نخواهد داشت ، چه یغما استثنای دارد که  
میگوید غیر ( ارواح مکرم ) - این آقام استثنای  
دارند مثلا بعد از آنکه هر چه خواستند در حق  
اهل کاشان فرمودند آوقت اگر بکذر کاشانی بچاره  
حاصر باشد او را مخاطب ساخته مبرماید به بخشید  
که شما مدتی است از کاشان بیرون آمده و کاشانی  
نستید و قس علی هذا اصفهانی و شیرازی و کادرونی  
و سبهای و غیره و غیره که در مجلس آقا مانند ضمیر  
حییع فرمایشات آقا واقع میشوند ، روایت میکنند که  
ار حضرت عیسی علی نبیسا و علیه السلام پرسیدند  
خس چیست ؟ فرمودند انماظ بد که از دهن خارج  
میشود .

علکتند انهایی که متعجبانه و سبب حصول مقصود باشد فرموده اند با اهمیت موضوع سکوت پیش از این منافی دینت اسلامی و سبب خسران دارین خواهد بود. لذا رؤساء روحانی اسلام جداً از آن مقام منبع مطالبه مینمایند که با جهد وای در سدد اخراج قشون اجانب که منشاء هزاران مفاسد عظیمه که یکی از آنها عدم اعاده نظم و امنیت عمومی است بر آید، انشاءالله با دیانت آن ذوات محترمه و انهایی که در این امر مهم دارند محتاج بعض اقدامات از طرف رؤساء روحانی نخواهد بود  
الاحقر ابراهیم شریف

### جبل‌الذین

نظر به اینکه حفظ بیضه مقدس اسلام از اولین وظایب حجج اسلامیه و رؤسای روحانیه است امیدواریم که جمیع علماء اعلام با حضرت حجة الاسلام هم آواز شده و فشار به وکلای مجلس مقدس آورده و جداً از دولت اخراج قشون بیگانه را بخواهند و مجلس و کابینه وزراء را بهمه گونه فداکاری و همراهی ملت اسلام امیدوار سازند - چه قشون بیگانه تا زمانیکه جدیت ملت و فعالیت مجلس و کابینه وزراء را نه بیند از ایران خارج نخواهد گردید و ما با يك صدای رسا این تکلیف شرعی را از خود مرافع داشته میگوئیم که امروزه بزرگترین وظایف مقام منبع ریاست روحانی اسلام و علمای اعلام ایران این است که ولو بقدره صد هزاران نفوس باشد قشون کفر را ازین مملکت اسلامی خارج نموده این مسئولیت بزرگ را در حضور صاحب شریعت مقدسه از خود بردارند و هیچ چیز جز فداکاری و استقامت وای و نجات قدم این مسئولیت از آن دوات مقدسه مرافع نتواند گردید که خود را حافظ بیضه مقدسه اسلام بر طلبان شنا سانداند

### تذکرات روتر راجع بايران

( ۱۷ شعبان - ۲۰ اگست )

بر حسب تذکراتی که از اسلامبول بروزنامه طمس رسیده دولت روس بیاب عالی منبای پیش قدمی قشون عثمانی در خاک ایران از سرحد با یزید که نزدیک سرحد روس است پروتست نموده

### جبل‌الذین

پروتست دولت روس بیاب عالی تا وقتیکه قشون خود را از ایران خارج ننماید بی اثر و نمر است و همان موجودی قشون روس در آذربایجان جواب پوست در این سه ساله اخیر حرکات رسمی و غیر

رسمی نامورین روس ایرانیان را با اندازه از وی متور ساخته که نه تنها با پروتست او همراه نخواهند نمود بلکه مقدم عثمانیان را در سرحدات آذربایجان که يك گونه جلوگیری طبیعی از مقاصد روس شناخته میشود گرامی داشته از نهای عبرت مغربه می بندارند، دولت روس باید بداند که ایرانیان محض جامعه اسلامیت و شرکت در مصادات و آداب و اخلاق و ادبیات عثمانی را همه گونه بر وی ترجیح می دهند یعنی هرگاه بنا شود که دولت روس اندکی تعلل در اخراج قشون خود باید خواستخواه جمیع طبقات ایران نه تنها قشون عثمانی را استقبال خواهند نمود بلکه با آمان معیت کرده عالم اسلامیت را متحد ساخته و مسلمانان دنیا را بیدار نموده دمار از روزگار متعجب اوزین بحقوق اسلامی بیرون خواهند آورد دولت روس باید بداند که در مقابل عثمانی در مسئله ایران تا وقتیکه ایرانیان از وی مطمئن نشوند دست معیت او نتواند داد و بدون معیت با ایرانیان در مخالفت با عثمانی خصوصاً در خاک ایران صرفه حاصل نتواند کرد، چنانچه از مراکز موقته خبر یافته ایم که هرگاه سریعاً دولت روس قشون خود را از ایران اخراج ننماید يك اتحاد غیر رسمی بذریه طبقات روحانی اسلام در مسلمانان دنیا تولید خواهد شد که زیانش به متجاوزین حقوق اسلامی ما فوق تصور باشد پس اگر دولت روس از روی عاقبت اندیشی با هم حفظ حقوق ایران خواستگار جلوگیری از پیش قدمی عثمانی در سرحد آذربایجان باشد بدو باید قشون خود را بدون اینکه پیش از این ایرانیان را از خود رنجاند از ایران اخراج نموده و علائم دوستی و بی عرضی خود را ظاهر دارد و همینکه ایرانیان مطمئن به بغرضی روس شدند در راه حفظ استقلال وطن بخودی خود اقدام کرده عثمانی را به پیش پای خود می نشاند چه مسلم است ایرانیان بهمان درجه که عثمانی را روس ترجیح می دهند استقلال خود شان را در مقابل تجاوزات عثمانی دوست تر دارند، پس دولت روس راست است که از اقدامات و خات کارانه خود در ایران باز آمده قشون خویش را طلب کرده سپس ایرانیان را بحال خود گذارده تا قشون عثمانی را از وطن خود خارج نمایند، و پوشیده نیست که جمیع اقدامات عثمانی مبنی بر حرکات تجاوز کارانه روس است و اگر روسیان قشون خود را از ایران خارج کنند مسائل

متنازعه سرحدی بین ایران و عثمانی بدون هیچ گونه مناقشه رفع گردد چه امروزه مسلمانان عالم متحد المال اند و از تجاوز بیک دیگر که سراسر زیانش بآل باید بخودشان است اجتناب دارند

( ۲۰ شعبان - ۲۶ آگست )

ژنجر روتر خبر می دهد که سه نفر در بندر انزلی مبتلای بمرض وبا گردیدند

حبل المتین

از آغاز مرض وبا در روسیه همواره خیرخواهان وطن اولیای امور را از مذاقه در قرنطینه سرحدات شمالی منته می نمودند ولی طاعت دیرینه رجال ما که شکار ( خدا حافظ است ) را از دست نداده تا وقتیکه مبتلای بآب گردیدیم اگرچه این مرض از روسیه بغالب بلاد اروپا نیز سرایت کرده است ولی چون در ایرانب واسطه نبودن راه آهن مانند اروپا آمد و شد روسیان بیست ممکن بود مادک مذاقه خود مان را محفوظ داریم اینک که علاج واقعه را قبل از وقوع به نموده امید داریم اولیای امور بعد از وقوع کمال دقت را نمایند که این مرض در کلیه ایران سرایت نکند و قدری از وبای هفت سال قبل طهران عبرت گرفته بر جان خود و ملت خویش رحم آورند

( ۲۱ شعبان - ۲۷ آگست )

ژنجر روتر از طهران خبر میدهد در خصوص اخراج قشون روس محسورات قریب الاختتام است دولت روس مصر است بر اینکه قبل از اخراج قشون خود برخی علائم دوستی از دولت ایرانب مشاهد نماید و خواهش دولت روس مشتمل است بر دو نکته یکی اضافه مدت امتیاز کار کردن در معادن مس قراچه داغ، دیگر مجاز باشد در وارد نمودن موتور کار بایران و متاف باشد از ادای عوارض در حریان راه رشت و طهران، چنان تصور میشود که درت ایران در قبول شرط اول عذری نیابود ولی در شرط دوم متردد است چه قبول این شرط بحصار دادن این راه و تجارت است کلیتاً بروس، و هرگاه وزرا سی در قبول آمدن ایستگاه مجلس نمایند یقین است مخالفت سختی بخواهد خواست از این رو امید میرود که دولت روس بدون هیچ خواهش قشون خود را از ایران خارج نماید و با خواهشات دوستانه جماید که وزرا مطمئن بقبول آمدن مجلس باشند

حبل المتین

واقع است که از سه سال باینطرف در معاملات

ایران روسیان یکدفعه قافیه را باخته و بآب رسیدن بکعبه مقصود ره ترکستان می بوبند، عجب تر اینکه با آن سبقه ای که در این سه سال حاصل نموده باز هم متنبه نمی گردند، و روز علائم دوستی ایرانیان را بجلب امتیازات بلکه بشرف دست خواهند، چنانچه جلب دوستی بیک ملت تازه بیدار شده را با آن همه صدماتی را که از روسیان دیده بمحصول برخی امتیازات می خواهند، و می دانند که اینگونه خواهشات آنها مزید بر نفرت ایرانیان شده بر فرض هم که بواسطه فشار کنونی چیزی منظور شود نرنیکه مزید بر نفرتهای سابق شان باشد از روسیان در قلوب آنان تواید خواهد گردید، واقع امر ایست که روسیان از بعد جنگ اقصای شرق نه تنها قوای مالی و نظامی خود را باخته اند بلکه دماغهای سیاسی را نیز از دست داده اند زیرا که آنچه در این سه ساله در ایران نموده تمام منافی با سیاست بود، و هر ذی حس بصیری میداند که روسیان در اقدامات خود بجای نفع زیان خواهند برد، گویا علت این سبب های سیاسی روس همانا خیالات خود سرانه مامورین روسیه باشد که بادت دیرینه هیچ گونه اطاعت و فرمانبرداری از مراکز خود ندارند، چرا چنین باشد که هنوز وزارتخانه های روس غالب احکام شان بر ضد و مخالف آن دیگر است دولت روس شرایطی را که در اخراج قشون خود بموجب خبر روتر به دولت ایران پیش نموده مزید بر نفرت ایرانیان و سبب یاس آنان در آتیه از دوستی با اوست امروزه فائده دولت روس در جلب قلوب ایرانیان است و این حرکت مزید بر نفرت آنان می گردد و بجای نفع زیان رسان است امروزه ایرانیان از کینت و کینیت ارادات روسیان واقف و حیثیت او را بیکو دانسته اند که نه علم جلب منافع اقتصادی دارند و نه سرمایه کار، دولت روس اگر اغراض سیاسی در مشه تجدید کار کردن در معادن مس قراچه داغ نداشت و فقط غرضش اقتصادی بود در معادن داخله خود که اهمیتش بیش از اینست کار می کرد و امتیاز بخارجی نمی داد و همین بیک تصور بخوبی ظاهر می دارد که غرض روس از این خواهش نه ابراز علائم دوستی ایرانیان است و نه جلب منافع اقتصادی بلکه تمام اغراض مبی بر سیاست خام و پایال نمودن حقوق ایران است و بس، هرگاه دولت روس را منافع اقتصادی مد نظر بود و قدرت کار کردن در معادن مس قراچه داغ را داشت چگونه

آن مبلتیکه در دست داشت برایگان داد هرکس اهمیت سیاسی قراچه داغ را دانسته بخوبی از مقاصد روس واقف تواند گردید. مثلهٔ انحصار یا امتیاز موتوکار وانی بین رشت و طهران با اندازه خیالات روس را آشکار می سازد که دولت روسیه با هزاران دلیل و بینه نمی تواند خوش بقی خود را بایرانیان ثابت نماید، چنانچه بارها نوشته باز هم می نویسیم که روسیان دارند بی دربی خطای سیاسی در ایران می نمایند و همین خواهش شان خطابست فوق خطابی اولیه آنها، در اینکه ایرانیان هرگز زیر بار قبول آن نخواهند رفت هیچ جای شبه نیست این نتیجه که حاصل گردد همانا ازدیاد تر از روس و ناچار شدن آنان از تشبث بدیگران ایرانیان دانسته اند که چون امتیاز اولویت تمیرام آهن که روسیه داده شده بود خانه پذیرفت و هیچ تدبیر و فشار دوباره نتوانست این حق را حاصل نماید حالا باین وسیله می خواهد سدی از این راه در جلو ساختن راه آهن ایران بکشد. ایرانیان دانسته اند که با اشاره دولت متعاهد خود تمام این تشبثات روس از خوف ازدیاد نفوذ تجارت آلمان در ایران است ولی دولت روس اید بدانکه جلوه نفوذ طبیعی تجارت آلمان را باین تشبثات نتواند بست، بلکه چنین خواهشات بی جا که قبول نتواند شد مزید بر نفرت ایرانیان و محبوریت ایشان بتأیید منافع آلمان در ایران خواهد گردید

دولت روس پس از این که دید بذریعهٔ شروط استقراض نیز نتوانست حقوق راه سازی برایش خود در ایران قائم نماید بنای فشار را گذارده اینک بدین ذریعه می خواهد ایرانیان را از سعادت ترقی محروم دارد، غرض اصلی روس ترویج تجارت خود و منافع اقتصادی از ایران نیست بلکه قصد و اراده اش اینست که بهر وسیله بتواند اسباب سعادت و ترقی که عبارت از راه آهن و موتوکار وانی و امتثال آنست در ایران جاری نگردد چنانچه یک قرن کامل بهمین اصول ایرانیانرا از جمیع سعادت و ترقیات عصر جدید که منحصر در راه آهن است محروم داشت هنوز هم بهمان خیال و خواهشات مبنی بر همان مقصود است ظالم است که همین خواهش روس را اگر ایرانیان منظور دارند بالا صاله داعی بر اضمحلال آنها تواند گردید ولی ما هرگز تصور نمی کنیم که مجدداً ایرانیان زیر بار قبول این گونه خواهشات بی جا بروند، این نکته را نیز ناگفته نباید گذارد که مجلس مقدس و کابینه

وزرا بدانند هر خواهش که از روس در این موضوع قبول شود دلیل خواهد گردید که جهان اندازه و میزان انگلیسان هم دعوی بیش نمایند و در صورتیکه خواهشات روس را قبول نمانیم خواهشات انگلیس را رد نتوانیم نمود از اینرو خیلی باید مدافعه نمود که در این موقع نازک چیزی نباشد و اسباب دعوائی برای انگلیسان هم مهیا نکرده باشیم، ایرانیان راست که در منطق روسیان غور نموده معنی ابراز دوستی سیاسی را ملتفت شوند و روسها با زبان پلتیک می گویند که ایرانیان باید همان وضع دوستی دیرینه را با ما داشته باشند یعنی آنچه را ما نافع به تجارت و سیاست خود می دانیم بدون تامل ما بدهند ورنه معلوم خواهد شد که ایرانیان سر دوستی با ما ندارند، واضح تر می گویند که یکصد سال است ایران در طریق دوستی ما قدم زده و از راه دوستی از یکطرف سند، بلوچستان بنادر عمان، غالب بنادر و جزائر فارس بحرین سیستان افغانستان تا دهنه خراسان و از طرف دیگر قفقاز داغستان ترکان ترکستان بخارا خیوه و وور را در راه دوستی ما داده اند، حالا هم اگر دوستی ما را خواهش دارند باید هر خواهشی که می نمانیم منظور کنند لذا مجلس مقدس و کابینه وزرا در این نکته غور نمایند که آیا این همه ممالک که از ایران موضوع شده این همه نفوذی که از خارجه در ایران پیدا شده آن درجه فشاریکه همواره همسایگان بایرانیان وارد آورده بطریق دشمنی بوده یا دوستی دشمنی که عبارت از لشکر کشی باشد که در این مدت نشده پس باید گفت که تمام این پیش و فتهارا دوستانه نموده اند آیا از این و بعد ایرانیان را طاقت قبول دوستی این همسایگان محترم باقی مانده است؟ آیا معنی دوستی سیاسی همسایگان را کابینه ما و کلابی ما و ژسای ما امنای روحانی ما فهمیدند؟ و نتایج وخیمه قبول اینگونه خواهشات را سنجیده اند اینها همه بازی است و همسایگان باین الفاظ تراکت بخش خزر رنگ کن می خواهند برگردن ایرانیان سوار شده از نو حتی برایش خود ثابت نمایند، ایرانیان بدانند که تا یک ذره اقتدار و نفوذ و یک دینار مال و منال و یک وجب خاک برای آنها باقی باشد باید در راه خواهش دوستانه همسایگان عزیز بدهند و یا مانند سد سکندر در رد خواهشات غیر قانونی آنها بایستند، کابینه جدید بداند که هرگاه بنا بود عوض

بروس داده قشون وی را خارج کنند در حالت اول و هله ممکن بود. تمام این میاهوما این اقدامات و این زحمت برای آن بوده و هست که حقوق دیگر از ایرانیان ضایع نگردد ما باواز بلند میگوئیم که این موقع برای ایرانیان غنیمت است نباید مرعوب شده بخواهشات بیجای همسایگان سررود آرند امروز موقع سیاسی ایران بخوبی واقع شده که یک اقدام مجدانه و بیک نوبت سیاسیانه روس می رود آنچه که عرب فی انداخت این خواهشات بیجای روس تمام از مرعوبیتی است که در وزرا و وکلای ما خاصه در روحانین و آحاد ملت بطریق عموم یافته است و هر قدر ما بر مرعوبیت خود بیافزاییم خواهشات همسایگان و پیشرفت مقاصد آنان پیش خواهد گردید، ایرانیان باید بدانند و همسایگان آنها خاصه روسیان تا وقتیکه سر نخورند یعنی از جلب فوائد تجارتی و سیاسی در ایران مایوس نگرددند هماره همین آتش مان در کاسه خواهد بود و این خطای محض است که تصور شود که فلان حق را اگر با آنها دهیم دست از سر ما خواهند کشید و این غلط صرف است که بگوئیم بخشش فلان حق به همسایگان امروزه ممکن است سبب قوت ما در آتیه گردد امروز همه گونه اسباب رای ایرانیان مهیا است فقط باید ترك مرعوبیت گفته در جلو خواهشات بیجای استقلال شکانه غیر قانونی روس که پس از آنها خرابیها مزید است می خواهد ایستاده رد نایم و آنچه شدنی است در همین موقع نازک بشود و ایرانیان اطمینان نمایند که امروز مقتضیات سیاسی ایران قسمی است که روسها بشرق دست اگر ایرانیان از طریق مرعوبیت تسلیم بشود هیچ گونه حق تازه در ایران نمی رسد حاصل نماید و این نکته را هم بیفهمند که بر حسب مقتضیات سیاسی داخلی و خارجی روس را قدرت آن نیست که خاک ایران را قبضه نموده نگاه دارد، ولی هرگاه موقع را شناخته و کارها را مانند سابق بمرعوبیت سر بوش نهد و بخيال مان سیاست بخرج داده ملت را از اقدامات سری خویش واقف نسازیم بالطبع رفته رفته مضحل شده تا عاقبت معدوم گردیم هرگاه ما دوستی همسایگان را بخواهیم باید اتحاد ملی و قوای دولتی قائم نموده در رد خواهشات بیجای همسایگان جداً بایستیم ورنه محال است بمرعوبیت و تسلیم بخواهشات آنان تحصیل

دوست ایشان را نایم

ما را در این هم حرف است که آیا روشها امتیاز کار کردن در معادلت مس فراجا داغ را سابقاً داشته اند و یا آنکه از طریق پلتیک برای سهل نمودن قبول مجلس چنین ظاهر می دارند ماها کنون مسبوق نبودیم که در هیچ دوره دولت روس دارای چنین امتیازی بوده که مدت آن سرآمده است تحقیق این امر با وکلای مجلس است و از رنگ ریزی های پلتیک که رجال نزاکت شناس ما دارند غافل نباید شد و کمال دقت را در این موضوع بنمایند چه بقیده ما دادن چنین امتیازی بروس چشم بوشی از صوبه قراچه داغ است و این نکته از خیالات دیرینه روس ثابت می گردد در این صورت باید یک چنین نقطه را هم در جنوب بانکلسات تسلیم نایم. ایرانیان باید درجه چه را در مقام سیاست ملاحظه فرمایند که سیاسیوز روس با آن عظمت و جلال ادا شرم نکرده ابراز دوستی ایرانیان را در جلب حقوق سیاسی و سلب استقلال و مان شان می خواهند. ولی عنقریب دید خواهد شد که جراند منصف فرنگ بسدا آمد، روسیان را سرزنش کرده پیش از پیش خود غرض و بی دلیلی و بدعهدی آنها را سر خواهند نمود ما هرگز فراموش نتوانیم نمود فرمایشات جناب سرادوردگری وزیر خارجه انگلستان را در پارلمان انگلیس که در آغاز ورود قشون روس باذربایجان فرمود وقتیکه از او سؤال نمودند که آیا قشون روس در حرکت از ایران هیچ عذری پیش خواهد نمود سرادوردگری بصراحت جواب داد (خیر) در این صورت این خواهشات چه، یا آن بالشهای نرمی که سرادوردگری در آموغ در زیر سرملت نهاد معنیش چیست ما باید واریم که کاپته وزرا و مجلس مقدس کمال دقت را در این موضوع فرموده در اخراج قشون بیگانه از ایران زیر بار هیچ شرطی نروند که عاقبت پشیمان خواهیم شد وقتیکه پشیمانی را سودی نباشد، این نکته را هم باید دانست که آنچه را سیاسیون دانا و توانای همسایه نموده و بنمایند فهمش بر ما بسی دشوار خواهد بود، ولی باندک تامل می توان تصور نمود همان مضرتهاییکه در قبول شرائط استقراض دولتن باید بایران می گردید در قبول شرائط استخراج قشون روس پیش از آن باید مان تواند شد مرد آخر بن مبارک بنده ایست

( قیمت اشتراك )	و لا حق الخذ ايلا بدون قبض ندارند و تا وقت ( مشتركين را همس مخصوص سال هجدهم دست نهاد )	التين كلته
( سالانه — شش ماهه )	( ذمه شان برى شناخته نمیشود )	كالم استريت نمبر ۴
( هند و برمه )	نامه مقدمه	HABLUL MATIN OF 4, MEDICAL COLLEGE CALCUTTA
( ۱۲ روپه — ۷ روپه )		( امور اداره با )
( ايران و افغانستان )		مؤيد الاسلام است
( ۴۰ قران — ۲۰ قران )		نوشته طبع
( عمانی و مصر )		توزيع ميشود
( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )		( ۱۰۰ شنبه )
( اروپا و چين )		۳۰ شعبان المعظم ۱۳۲۸ هجرى
( ۳۰ فرنگ — ۱۶ فرانك )	سنة ۱۳۱۱	( مصادف با )
( روس و تركستان )	مراسلات مخصوصى بدون امضاى	( ۱۰ ستمبر ۱۹۱۰ ميلادى )
( ۱۰ منات — ۶ منات )	( معروف اداره درج نمیشود )	

# الملك

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آرامست )

شر ذمه از آنها را هم ندارد. مثلاً فلان مهم بنك يا بهان مدير تجارتخانه كه مردمان عالم تربيت یافته اند و بمقتوى ساير شرکا تجاوز می نماید و هرگونه و خامت و فضاحت را بخود می پسندند نمیتوان سلب عقل و علم و تربیت را از ایشان نمود ، بلکه باید گفت جوئ رادع و عایق را در جلو خود (ولو موقتاً باشد) مقفود دیده طبیعت بشریت من دون اختیار سر بلطیانی نهاده است ، و هرگاه هماره رادع و مانع در جلو خود مبدید ادا از حدود خویش تجاوز نمی نمود .

درجما ما بذكر يك مثالی كه نزد ایرانیان حسی است اشاره نموده بمقصود خود می پردازیم ، « سپینوز بلژیکی در اینکه مرد عالم تربیت شده بود شهه نمیرود ، و در بلژیک هم عمر خود را در خدمات کرکی از درجه دانی گذرانده تا برتبه عالی نیابت ریاست کل گمرکات بلژیک رسید ، همین ارتفاع رتبه او در گمرکات بلژیک نال است بر اینکه پیرامون خیانت و طغیان نکته بود ورنه باین مقام نمیرسید و از خدمت دولت مجرور میگردد ، چه شد که در ایران تا این درجه طغیان نموده و تا آن پایه دست بخنثت و تجاوز دراز نمود ؟ آیا آن وه درست کاری و این سلوک خنثت شعاری از این طبیعت ثانوی را از کجا آموخت ؟ »

قیام یا قوام حکومت ملی چیست ؟  
استحکام سلطنت مشروطه منوط به بیداری ملت و علائم بیداری ملت نگرانی نامه در حرکات و مسکنات مصادر امور در مواد راجع بمجمهور و بروز نگرانی هانا هیجان عقلانی آحاد آن ملت است ، آری هیجان ملی در نگرانی حرکات و مسکنات مصادر امور جمهور مستحکم اساس مشروطیت شناخته شده است

واشنگتون مؤسس آزادی آمریکا در یکی از بیانات خود میفرماید « وقتی باستقلال جمهوریت آمریکا الطینان توان نمود که آحاد ملت نگران حرکات مصادر امور خود باشند ( چرا ؟ )

که طبیعت بشری بدون استتفا سائق بطرف خود سری و مائل بعلو و علو در حق خویش است ، و ممکن نیست که رادع خود سری و عایق غلو و علو را فقط علم و تربیت قرار داد ، چه به تجربه رسیده که بسا مردمان تربیت یافته عالم همینکه در امری از امور خود سر و بدون عایق و مانع مانده غلو و علو در حق خود نموده تجاوز بمقوق دیگران کرده است ، شواهد این مدعا بقدری در آمریکا و اروپا خاصه در معاملات صرافی و تجارتی موجود است که این اوراق گنجایش ذکر



گفته شود که در بلژیک نگرانی در افعال او بود و در ایران مطلق العنان شد یعنی رادع و مانع نیافت، این نکته را هم نباید فراموش نمود که طغیان اولاد آدم و علو و علو در حق خود تدریجی است هر قدر مطلق العنانی خود را مشاهده کرد و عدم نگرانی را در حق خویش دید بر علو و علو در حق خود می افزاید تا جائیکه به فرعون صفتی تمایل نموده و بدعوی انا ربکم الاعلا می گراید.

درست اگر دقت نمایم خواهیم دید کابینه خرابی کار ایرانیان درین بوده بمجردیکه بکسی حسن ظن پیدا نمودند و یا خدمتی مهادتانه دیدند افسار را بروی خودش انداخته بدون نگرانی یکدمه فاعل مختارش می نمایند، او هم ناچار ببادت بشری طغیان ورزیده بخیالات دور و دراز می افتد، اگر در معاملات ایران دقیق شویم خواهیم دید که عمده خرابیهای چهار ساله مشروطیت مبنی بر همین نکته بوده است یکی از ارباب دانش در مراسله خود چنین مینویسد: « من از فشار هماینگان بایران باك ندارم، من از مداخلتهای مسلحه سه همایه بروا نمی نمایم، چه تمام اینها موقی است ولی چیزیکه از ایران و ایرانیات مرا مأیوس ساخته همانا ابراز بی حسی که درین یکساله اخیر از ایشان مشاهده می شود و ارتفاع نگرانی است که نسبت بمصادر امور اختیار کرده آنها را بدین حال انداخته است» نگرانی ملت از مصادر امور نه تنها کارها را در مجرای قانون می اندازد بلکه ملک و ملت را از خطرات متصوره محفوظ میدارد، و برای مصادر امور هم نافع میشود که يك دفعه از اوج آسمان بقمر زمین نازل نه نمایند.

( نتیجه )

ایرانیان راست که با حس بیدار نگرانی نامه از مصادر امور اهم از وزرا و وکلا داشته باشند، و اعتمادهای طفلانه سابقه را که مایه این همه بدبختی شده از خود دور نمایند و با توکل زانوی اشتراک به بندند، ما کمال اعتماد را به کابینه جدید و وکلای موجوده خود داریم، ولی آنها را مضوم ندانسته، از طبیعت بشری که طغیان و علو و علو در حق خودشان است عاری نمی بنداریم، توجسوت بلند میگوییم

« اگر ملت نگرانی خود را از افعال و کردار مصانم امور مزفع دارد و مانع و رادعی برای علو و علو خود مشاهده نماید طبع بشری شان سرکش نموده ملک و ملت را بمشکلات عظیم تر دچار خواهند ساخت »

« هیجان مقدس »

بافتن رولبب دیانات و سیاسات وفلاسنه بزرگ و عقلای جمهور مقدس ترین هیجانها هیجان است که يك ملت در طریق محافظه حقوق مشروع قانونی خود در مقابل متجاوزین بمقوق خویش اهم از خارجه و داخله به نماید، یکی از قاندين ملت فرانسه در رولسیون بزرگ فرانس میگوید « مقدس ترین موت موقی است که در هیجان مقدس برای حفظ حقوق ملت در مقابل متجاوزین واقع گردد »

آری سکوت و صوت عمیق این يك ساله اخیر ایرانیان تنها امنیت ایران را بر باد داده نه صرف متمردین را جسور ساخت، نه فقط مردم را از مشروطیت بیزار نمود، بلکه خارجیان را که بعد از آن هیجان مقدس ملی که خانه بخلع يك پادشاه سفاک شد مرعوب نموده بود جسور تر از دوره استبداد ساخت، از همه بالاتر دوستان ایران را در اروپا از بیداری حس ایرانیان مأیوس ساخت، چه بافاق سیاسیون ملت که دارای حس بیدار و جنبه نگرانی در گردش قانون به مجرای خود نباشد قابل بر حفظ مشروطیت ولایق بر تشریف آزادی نمیدانند.

امروزه با اندازه برده بالا رفته که ما نمیتوانیم شعار مرعوبیت دیرینه را لباس نزاکت شناسی پوشانده خود و دیگران را گول زیم، امروزه رجال با سیاست دنیا با ذره بینهای قانون شناسی تفریق نزاکت خواهی و مرعوبیت میدهند، علاوه بر اینکه این دعوی نزاکت شناسی ما در لباس مرعوبیت امر را بدانایان مشبه می نماید مزید غفلت و بی علمی ما را بر قوانین بین الدول و حقوق ملل ثابت می کند.

آیا اگر ایرانیان اعتماد نامه بسرداران قانع نکرده و ترك نگرانی بر افعال و کردار کابینه قدیم نه نموده بودند ممکن بود که تا این درجه استقلال ایران در مخاطره اوقتد؟ آیا اگر روسیان مانع یعنی هیجان ملی در مقابل تجاوزات خود دیده بودند

منصور بود که تا این پایه مداخلت در امور داخله ایران نمایند؛ همان بی‌حسی که نماینده عدم جنبه نگرانی است هم ایرانیان بدان حال انداخت و هم خارجه را بدان تجاوزات سوق داد. اگر نگرانی در افسال و کردار کابینه سابق بود در مدت یکسال بکفر مایب حسین گشام کاشی نمیتوانست ملت و دولت را برقص آورد، بل جویش کابینه سابق درین گونه واقعات و بزرگتر از آنها فشری از ملت ندید و مانع و عائق جلو خویش نیافت برای پیشرفت مقاصد فاسده و بارتی بازیهای مرضانه خودشان وجود مایب حسین و امثال آن را عنیت می‌شمرند. تا کار بجای کشید که عیناً دوره محمدعلی پیش آمد و از هر طرف بنای دسته بندی و انداختن اعتشاش در مملکت شد. و ازین ندانم کاری بقسمی سررشته امور از کزانشان پروز رفت که مانند محمدعلی بعد از استیلای خود هم نتوانست ناامنی خود آورده را تبدیل مانیت نماید. آیا اگر ملت ترك نگرانی از کابینه سابق نه نموده بود و کابینه جداً در اخراج قشون بیگانه و امنیت مملکت ایستاده بود مملکت چنین حال و خویی را سسب میکرد؟ و یا قشون بیگانه نمیتوانست از چهار طرف مانند حلقه انگشتر مارا احاطه نماید؟

یکی از شاهکارهای امین‌السلطان غیر مرحوم این بود که يك قرن کامل ملت را از مداخلت‌های خارجی می‌نرساید و برای مرعوب داشتن ملت و پرورش اقوال و افسال سخیفه خود خارجه خصوصاً روس را لولو قرار داده دخالت میداد، بقدری آن سلك میشوم شمار مصادر امور ایران شده که ناکنونیم با آن همه انقلابات از دست نداده تمقیب مینمایند

پس هرگاه ملت از این و بعد هم نگرانی را از کابینه و وکلای خود مرتفع دارد و با اعتماد کامل آنها را بحال خود گذارد طولی نخواهد کشید که همان آتش مان درکاه خواهد آمد، فصایت فعلی وزرا تبدیل بقوالت خواهد نمود، وطن خواهی را تمییر بخود خواهی خواهند داد، بارتی بازی‌های مرضانه بی‌سلك که در استقلال وطن حکم سم قائل را دارد در مجلس و خارج لمس شروع خواهد گردید، و پیش از پیش بهانه بدست اجانب اوقتاده بر تجاوزات خود خواهند افزود، و مانند کوریا استقلال وطن مدس مارا خاتمه خواهند داد.

### تکلیف ملت چیست؟

تکلیف ملت با کمال اعتنای که بکابینه و وکلای خود دارد نگرانی بر کردار و رفتار آنها در امور واجبه بجمهور است.

(چه طور؟)

همان طوری که سایر ملل بیدار از مصادر امور خود مینمایند، ولی شرط اول این نگرانی آن است که از دائره قانونی تجاوز نه نمایند، یعنی فرد فرد ملت خود را حافظ قانون شناسد و هر کس یا از دائره قانون بیرون نهد ام بر وکیل یا وزیر در همان قدم اول از او جلو گیری شود، و تا وقتی آحاد ملت شمار قانون دوستی خودشان را ظاهر نه نمایند متجاوزین بمقوق قانونی ملت پیش پای خود نخواهند نشست. بدبختانه تا کنون وکلای ما که مقنن قانون و وزیرای ما که مجری قانون اند کاملاً خود را پای بند قانون جلوه نداده‌اند، و گویا مرگ را برای همسایه حق میدانند و مقام خودشان را بالاتر از پای بندی بقانون می‌بندارند. شرمسارانه واقعات این یکساله وکلای و وزرا برخجلت قانون دوستان ایرانی افزوده است، هرگاه ملت بیدار بود و وظیفه خود سسکه حفظ قانون است از دست نمیداد و در اول قدم جلو گیری از وکلا و وزرا می نمود امر باین درجه بالا نمیکرفت و کار با بجا نمی کشید، و وقت عزیز ملت پیوده نمیکذشت و امروز را روز اول ترقیات ملیه خود فرض نمی نمودیم، حالا اقلاب باید دقت کنیم که من بعد اوقاتمان برایگان نرود و بعد از يك ضبط عظیم و انقلاب بزرگ و تغییر جدیدی آن روز را روز اول ترقی خود قرار ندهیم.

شرط دیگر حفظ حقوق استقلالیه وطن عزیز است، باید دانست که هیچ ملت و دولتی نمیتواند دعوی حریت نماید و حافظ استقلال خود را دیگری بداند، هات آئیکه يك ملت حافظ استقلال خود را دیگران دانست استقلال خویش را باخته و طوق عبودیت دیگران را بگردن انداخته است، و تا وقتی که آحاد ملت عجب آزادی نشوند و خویشتن را حافظ استقلال وطن خود ندانند بر حسب مقتضیات سیاسی امروزه علم بقای استقلال چنین ملتی محال اندر محال است بی هرگاه کابینه سابق شعور حفظ حقوق در ملت میدید یکسال واندی نمیکذاشت قشون بیگانه در ایران باند، و اگر بیگانگان حب استقلال در ایرانیان مشاهده سسکرده بودند تا این

درجه به توسعه دخالت‌های خود هر روز نمی‌افزودند، درست باید دقت نمود آیا تا امروز هیچ قشون مسلحی که بدون ضرورت وارد ملک متعلق شده باختیار بیرون رفته است؟ آیا تا امروز بدون علت خارجی يك دولت قوی در مقابل يك دولت ضعیف ایفای تعاهد پلینکی خود نموده است که دولت روس در مقابله ایران به‌نماید؟ آیا وعده‌های روس به خوانین قفقاز و امرای ترکشان و بیرون بردن قشون خود از اقصای شرق ایفا شد؟ آیا وعده‌های انگلیس در مسئله افغانستان با ما و وعده‌های او در تخریب مصر یا مواعید ژاپون با امپراطور کوریا بموقع ایفا رسید، آیا تاریخ لهستان و وعده‌های دول را از یاد داده‌اید؟ اینها تمام شعار پلینک است و بدون آنکه اسباب برای اخراج قشون روس فراهم نمایم باید توقع داشته باشیم که روسیات بخودی خود بيك وعده خشك و خالی که در اول ورود خود داده ترك ایران گویند، آیا ملت ایران درین بکماله کدام فشار را بکابینه سابق وارد آورد در اخراج قشون بیگانه که دلالت بر حقوق خواهی آنها به‌نماید آیا ایرانیان کدام نایش استقلال خواهانه را در مقابل اجحافات قشون روس درین مدت اراز داده اند، کدام هیجان ملی را در ترك استعمال امتعه روس در مقابل این همه تجاوزات نموده اند که حاکی بر حس ملی و مشعر بر حب وطن و استقلال خواهی آنها باشد؟ همین شکست است که خیر خواهان ایران را از بیداری حس ایرانیان مأیوس نموده است، تأمل باید کرد ملتی که تا این درجه بی حس و بی اعتناء تقانون و حقوق ملی و استقلال ملک باشد دیگران چگونه و بطور سینه سپر کرده آزادی آنان را حایه نماید.

آری هیجان مقدسی که گفته شد درین مواقع است، موت شخصی را که ستودمانند درین مواقع است، چیزیکه پایه بسی شکست عالمیات گردیده يك سال متجاوز است ایرانیان به فجع ترین وضعی دچار شکنجه و بی قانونیهای قشون روس اند هیچ آوازی از آنها بیرون نیامده تا معلوم شود زنده اند یا مرده حتی آن آواز طبیعی که در حین سختی و شدائد و تحمل بار

گران بی اختیار از هر ذی‌حسی ظاهر می‌شود هم از ایرانیان اصضاء نگردیده است، از این ظاهر می‌گردد که ایرانیان تاب تحمل کشیدن بار عبودیت دارند و شعار سیاسیون منصف عالم حسانه قوم و ملتی است که حب استقلال داشته و گردن‌شانی تاب طوق عبودیت را نیسلورد، همین بی حس ایرانیان که در این يك سال و اند ظاهر شده ثابت مینماید که کر ایرانیان در کشیدن بار عبودیت محکم است و حایه آنان بی سود و ختك و کاسه از آتش گرم تر خواهد بود.

پس ایرانیان راست که بیداری حس خود و عدم تحمل خویش را از کشیدن بار گران عبودیت بيك هیجان عقلانی ملی حقوق طلبانه و استقلال خواهانه بر عالمان ثابت نماید تا حامیان سیاسی ایشان در خارجه از یاس بیرون آمده بجهایه آنان به ایستند، آری هیجان گفتیم ولی هیجان از روی علم و صحت، هیجان از روی قانون و نزاکت، هیجان از روی مسلک و حب وطن و حب استقلال، نه هیجان باعراض شخصی و غلبه مخالف خاسگی، هیجانی که از روی حب وطن و حب استقلال باشد مقدس میگویند، و بشهادت تاریخ هیچ قوتی در برابر چنین هیجان مقدسی بیداری نتواند نمود. در این چهار سال فقط ایرانیان سه هیجان مقدس نموده کامیاب هم گردیدند

اول در خصوص گرفتن سند مشروطیت از مظفرالدین شاه

دوم در مسئله امضای متمم قانون اساسی از محمد علی

سوم در خلع او حالا هم اگر ایرانیان حب استقلال دارند طالب مشروطیت خویش اند بدو باید در اخراج قشون بیگانه به وزراء و وکلا فشار آورده از هیجان در ترك امتعه روس و حاضر شدن در مدافعه حقوقی باز نیاید تا اینکه قشون بیگانه را از خاک مقدس وطن خود خارج نمایند و یقین کنند چنانچه دیگران و خودشان در هیجانهای سابقه به مقصود رسیدند در این موقع هم خواهند رسید و مطمئن باشند که مقتضیات سیاسی کنونی ایران با هیجان مقدس ایرانیان روس را اجازه استقامت نمدهد و آنانرا عمک آرزو سواد منانند

« لطف سردار اسعد در شواری ملی »

بنده از یارسال که آمدم لازم نیست عرض بکنم چه جور جان فشانی و چه طور خدمت کرده ام همه میدانید که این همه خدمات و جان فشانی ها که میکنیم و این جوانپسائی که بکشتن دادیم نمر او را خواهیم دید

نمره آن استقلال و امنیت مملکت است که در این باب یکسال بیشتر است شبانه روز زحمت و تلاش میکنیم ولی بدبختانه هنوز بان نمری که باید برسیم نرسیده ایم بلکه امروز می بینیم نتیجه بکس بخشنده و دارم قهقرا بر میگردیم یعنی بنده وضع امروز را بمراتب بدتر از وضع یارسال در این وقت می بینم یارسال در این وقت يك اطمینانی در مردم بود که امروز آن اطمینان حاصل نیست و هر فرد از افراد ایرانی وطن پرست و مسلمانی که صاحب اعتقاد باشد خدمت و جانفشانی او در راه ملت باید بالمضاعف باشد بجهت اینکه امروزه می بینم وطن ما در خطر است و از هر طرف ما را بد بختی های زیاد تهدید میکند و هیچ در این باب مذاکره از دشمن هم نکنیم و بگوئیم که دول خارجه با ما همراهی نکرده اند یا اینکه دشمن داریم یا اینکه مستبدین با ما بد کرده اند علی السجاله تقریر همه است چه مشروطه و چه مستبده که غرض شخصی را بر استقلال مملکت ترجیح میدهند آنچه می بینم تمام از روی غرضهای شخصی است در صورتی که امروز روزی است که ما هر دشمنی که با هم داشته باشیم باید کنار بگذاریم و صورت همدیگر را به بوسیم و بگوئیم دشمنی من و تو باشد برای وقت دیگر و همانطور که حضرات آیة الله بحجف در تلگراف اشاره فرموده و همچنین در تلگرافات دیگر که اعتراضهای شخصی را بگذارید برای وقت دیگر ندهم عرض میکنم امروز اول چیزی که بر ما لازم است اتحاد است که واقماً باید غرض شخصی را کنار بگذاریم و اقلاً تا يك ماه به بینم که وقتی دو نفر که با هم غرض دارند همدیگر را که ملاقات میکنند عرض شخصی را کنار گذارند برای مملکت مذاکره مینمایند تا اسباب امیدواری بشود

و اما از این بابت جزء عمده این کار بنده خودم را میدانم بلکه امروز هم بفضل خدا قوه

خود را بیشتر از یارسال می بینم که از همه حیث قوت و قدرتم بیشتر است، معلوم است که وکلای محترم هم با بنده همراهی خواهند کرد که قاتلین آقا را پیدا کنیم اگر چه بکشته شدن پسر و وادرم باشد و باید امنیت را در ظرف یک هفته در طهران و سایر جاها پایدار کنیم اگر چه بکشتن اولاد و برادرهایم باشد اینها خلق شده اند برای کشته شدن، منتهای خوش بختی آن بدری است که به بیند پسرش در راه ملت در خون خودش میغلطد و بنده حاضرم جام و طلم را در راه ملت نثار کنم و امیدوارم که بزودی یعنی تا یک هفته دیگر امنیت را چنان بطهران اعاده بدهیم که کسی چنین امنیتی را ندیده باشد و این که قدری دیر عرض کردم برای این بود که منتظر تشکیل کابینه بودم که خیلی دیر شد ولی امیدوارم که انشاء الله تعالی در همین دو سه روزه يك خدمت نمایانی باین مملکت بنمائیم

وضع امروزه مجلس را بنده بهیچوجه منتظر نبودم و بالعکس متوقع بودم امروز دشمن های سحت با هم متفق شده دست دست یکدیگر بدهند و دیگر مذاکره از اعتدال و انقلاب نشود که اثرات سوء آن بکابینه وزرا و ادارات دولتی و ولایات هم سرایت بکند بسیار خوب امروز يك کار بسیار بدی اتفاق افتاده باید آت و حربه دست خود نموده يك دیگر ستازیم ، اگر این طور باشد که این قافله تا بحشر تنگ است و بهیچ حائی نخواهیم رسید ملاحظه کنید چنم بیست یا سی کرور ملت برین بنه و شهاست و یکتدوی اختلافات را کنار بگذارید هوس انتقام از خصم را کنار گذاشته عوض فالیت خود را مغلوب کنید مغلوبیت در راه حفظ استقلال مملکت خیلی سهل است عجماله این اعتراضات را ولو موقتا هم باشد کنار بگذارید بعد از آنکه قدری حال سکون در مملکت پیدا شد باز ممکن است و وقت باقی است

در باب کابینه وزرا از جمله عادات و مرسومات است که کابینه جدید با کابینه قدیم مواقت تام ندارد حق در دول متمنده ولی بنده میخواهم از دول متمنده هم پیش بیتم و خدمت کنم وقت خدمت کردن من حال است خدا شاهد است که من از روز اول مایل بوزارت نبودم و حالا میخواهم اثبات کنم

که ادای تکلیف خود را که خدمت باین آب و خاک است بطور از عهده بیرون خواهم آمد شما هم در خیال این باشید که با وزراء جدید همراهی کنید اگر فرماً عیبی در کار یکی از آنها دیدید ممکن است بروید درخانه اش و بازبان خوش باو بگویند فلان عیب در کار شماست یا رفع کنید یا مرا اقناع نمایند نه آنکه از حالا آثار اختلاف با آنها ظاهر کنید و بخواهید ~~سکه~~ ایرادی از او گرفته و او را ضایع کنید بنده هم هر قوی که داده ام تا يك نفر بختیاری زنده است و جان در بدن دارد ایستاده ام که رفع بریشانی خاطرهارا بنمایم و از مرگ هم گریزان نیستم خدا میفرماید «فتنوا الموت ان کنتم صادقین» هر کس ادعای مشروطیت میکند باید برای استقلال مملکت آرزوی مرگ کند نه برای ریاست یا حرص و طمع و غرض نفسانی، يك عرض دیگر دارم و آن اینست که قول دادم امنیت کامله که اهل ایران بخاطر نداشته باشند بریا بدارم فراموش شد که عرض کنم با همراهی و کلا معلوم است اگر همراهی نکنند میتوانم از این عهده برآیم

و دیگر آنکه گفته شد مملکت ما متزلزل نیست بل تزلزل بر دو قسم است یکی آنکه مردم متوحش باشند که حالا جماعتی میریزد خانها را آتش میزنند و غارت میکنند این تزلزل نیست لکن تزلزلی که اغلب اهالی مملکت راحت نباشند و شب از خوف نخوابند موجود است، و امروز بزودی زود لازم است که رفع این تزلزل بشود و این از عهده من بر می آید (تمام سخن کردید)

### جبل المتین

عالمیته از حضرت سردار اسعد انتظار اینگونه خدمات و تقریرات را داشتیم از روزیکه حرکت از پاریس برای برقراری مشروطیت نمودند اگر سهوی از ایشان دیده شده همانا قبول وزارت بود و نتیجه همان سهو سیاسی انقلابان گردید که دیدیم و در شورای ملی نیز برده از روی کارها برداشته آمد، حالا هم عرض میکنم که باید برگذشته ها صلوات فرستاد و در آئینه بر حسب فرموده سردار اسعد دست اتحاد و یگانگی به یکدیگر داده استقلال وطن عزیز خود را محفوظ داریم چه با اتفاق سیاسیون

یگانه ناجی ایران اتحاد ملی است، اتحاد ملی در هر قوم و ملت عبارت از اتفاق رؤسای طبقات و مصادر امور و ارباب نفوذ است ورنه اتحاد افرادی حتی در امریکا و انگلستان دیده نمی شود پس مقصود از اتحاد همانا اتحاد رؤساء قوم در حفظ استقلال وطن است باینکه از جزئیات امور واقف و از کوائف اندرونی و بیرونی رجال طهران مطلع و از خیالات یگان یگان سرداران با خبریم چشم از نکته جیبی پوشیده باز هم سخنان خود را تکرار مینمایم « یگانه ناجی ایران اتحاد رؤساء قوم است »

فرهنگها میخواهد تا مادر وطن فرزندان رشید جسور غیوری مانند سپه دار اعظم و ستار خان و باقر خان و معزالسلطان و تقی زاده و امثال آنان از کتم عدم به وجود آرد، باز هم میگویم امروز باید برگذشته ها صلوات گفته همه دست اتحاد یکدیگر داده در استقلال وطن اسلامی خود بکوشیم و چشم از بعضی ناملاچاتی که ناشی از اغراض شخصی و مبنی بر اخلاق بتبری است پوشیده رو بمقصد اصلی که حفظ استقلال وطن است برویم

این اختلافات در تاریخ انقلابات سایر ملل نیز دیده شده نمی توان يك سهو از جانفشانی و خدمات عظیمه رجال بزرگ خود که سر در کف گرفته در راه استقلال وطن حاضر شدند چشم پوشی بنمایم، هرگاه مقایسه کنند حالت اهالی پاریس را در وقتی که ( ناپلیون ) را انگلیسان گرفته به جزیره ( سنت هلنیا ) بردند و وقتی که جنازه آن شاهنشاه رشید را دعوت پاریس دادند خواهیم دانست که تفسیر عقیده چگونه در يك ملت برور زمان در حق رجال بزرگ خود می شود

چون ما میدانیم که اخلاف ما مانند اهالی پاریس قدردانی از خدمات ناپلیونیهای نوعی خود خواهند نمود نمیخواهیم داغ بی حسی و لنگه ماقدردانی بروی ما گذارند، چون روی سخن با صاحبان است سخنها سربسته سرودیم و امیدواریم ~~سکه~~ محتاج به کشف عوامض آن نگردیم

### ترقی اسلام در اتحاد اسلامیان است

بلی ترقی اسلام در اتحاد مسلمانان است هر کس دانا بخواهد سیاست باشد تصدیق خواهد نمود باینکه هر دولت و هر ملت که بخواهد یا در جاهه ترقی

بگذارد باید متوسل بجهل‌المتین اتحاد شود تا در اندک زمانی بدستباری اتحاد شاهد مقصود را در آغوش گرفته در اوج ترقی پرواز کند و با همگان دعوی همسری نماید والا بمقتضای سیاست امروزی دول مشکل است که دولتی به تنهایی کاری از پیش ببرد و ممکن است ابدالهم درجه تاریک اضطرار نماید بد بختانه ملاحظه می شود که دو دولت اسلامی که ایرانی و عثمانی باشند هنوز دست اتحاد حقیقی بهم نداده اند

خوب است اولیاء امور اسلام ملاحظه ملل سایر را بنمایند که باوجود منافیات و مغایراتی که در دینشان موجود است چگونه دست اتحاد سیاسی بهم داده‌اند که اگر یکی از آنها را با یکی از دول اسلام منافقه پیش آید فی‌الغور بی ملاحظات منافیات و مغایرات مذهبی متحد شده آن دولت را لساناً و مالاً و جاناً سرآ و علناً کمک می نمایند و ولو حق به جانب دولت مسلمان هم باشد هم مذهب خود را ذی‌حق قلمی دهند. چنانکه قبل ازین خیلی ازینگونه واقعات روی داده و مشهور است که منجمه آن جنگ عثمانی و یونان می باشد

جای تردید و شبهه نیست که تعدیات گوناگون دولت اسپانیا در حق دولت اسلامی مراکش نبود مگر به پشت گرمی دول سایر، مداخلات دولت فرانسه در ولایت تونس و انقراض دولت مذکور ظاهر و هویدا است و جوب تعدیات گوناگون روسیان در حق ایرانیان و سکوت مابقی دول مبنی بر اتحاد آنها نیست؛ اینک دول محاسنی کربت که چهار دولت بزرگ و ظامراً برای اصلاح ذات‌الین بر خواسته اند هر چند در ظاهر بی طرف اند ولی در باطن مقصدی ندارند مگر تقویت دولت یونان و الا دولت کوچک مثل دولت یونان کی می توانست با یک دولت بزرگی مثل دولت عثمانی مقابله نماید

ما جمیع مسلمانان کره را مخاطب نموده و می گوئیم آیا نمودن باالله در دین اسلام مغایراتی و منافیاتی پیدا شده که دول اسلام به این روز سیاه نشسته اند؟ مصافحه این نیست مگر از سستی و عدم اتفاق و اتحاد ملت اسلام که هیچ یک فکر دیگری نیست، فرضاً اگر طایفه از آنها بدست دولت خارجی گرفتار شود مابقی طوایف بنیر از لفظ

منحوسه «بمن چه» استعمال نمی کنند و از ترواست آ در جنگال تطاول نهنگان دریائی و پلنگان صحراؤ مبتلا گردیده اند. اگر دول اسلامی که ایرانی، عثمانی و مراکش و افغانستان باشند متحد شوند می تواند یکی از دول سایر منترداً بلکه عموماً بقدر سر سوزنی از حقوق سیاسی آنها را ضایع کتف امروز باید جمیع مسلمانان جـداً بدور ملاحظه اغراض نفسانی و نزاع در فروعات مذهب دست اتحاد بهم داده و نگذارند کسی بر آن مسلط شود و هرکس خواست که رخته دو دین آئین و وطن آنها بکند متحد شده بجای خودتر بنشانند امروز باید دو دولت بزرگ اسلامی یکدا در بجاده مشروع قدم زده جمیع مسلمانان دنیا را دعوت به اتحاد و اتفاق نمایند تا تلافی مافاتشان بشود، ظاهر است که جمیع مسلمانان روی زمین بیرو اقدامات این دو دولت اند و منتظرند که چه وقت این دو دولت دست اتحاد بهم دهند تا آنها هم بتوانند جمیع خودشان را داخل در این اتحاد کنند، و از زیر حایا دیگران برهند و بیرق اسلام بلند شود، و مادامی که این دو دولت بزرگ مستقل که پادشاهان و طرف غالب رعایای آنها مسلمان اند هنوز در فکر این کار خیر نیستند، امروز ایرانی و عثمانی و مراکش و افغانی و مصری و تونس و هندوستانی و ترکستانی و ققازی و جاوه و غیره و غیره برادران دینی یکدیگر اند، باید دست اتحاد بهم داده و در ترقی اسلام بکوشند و اگر یکی از دول اسلامی را در فشار به بینند کمک نموده و از بذل مال و جانب دریغ نکنند، شاید کشتی استقلال مشرف به غرق دول اسلامی را به ساحل نجات برسانند والسلام علی من التبع الهدی (امضا فیلی)

« بدعت نازه در روسیه »

( قابل توجه مسلمانان عالم عموماً )

( و ایرانیان خصوصاً )

مخبر دکن مدراس مورخه ۲۴ اگست مطابق ۱۸ شعبان سنه ۱۳۲۸ به حواله استقبوت‌گازت و آن روزنامه بحواله عثمانیشرلوئییه مینگارده که دولت روس در آزادی مذهبی مسلمانان مداخلتها میکند، چنانچه روزنامه القرب قسطنطنیه نیز ظاهر میدارد که مسلمانان را در روسیه مجبور کرده اند که در احیاء نصاری از کاروبار خود دست کشند و

همه کارها را معطل دارید ولی در اعیاد مذهبی مسلمانان تعطیل بآنها داده نمیشود و باید مشغول کار باشند اما بدتر ازین نیز میکنند ، در روزنامه اتنا عشری دهلی مطبوعه ۱۵ اگست سنه ۱۹۱۰ ع مطابق ۹ شعبان تحت عنوان ( اشاعت اسلام در روسیه ) چنین مرقوم است که روسبان منجمه تدابیری که بجهت جلوگیری از اشاعت اسلام اختیار کرده اند یکی اینست که حاکم تاشقند باحوم مسلمانان ممالک و سلی روسیه بذریعه اعلان چنین امر کرده است که تصاویر قبصر و قیصره روس را در جمیع مساجد و خانقاه ها و مدارس یاویزند ، مسلمانان آنجا التجا نمودند که آویختن تصاویر در مساجد و معابد خلاف مذهب اسلام است ولی حاکم حکم فوری بجهت تمویل صادر نمود ، مسلمانان بوزارت داخله ملقبی شهادت و از آنجا چنین جواب یافتند که فیصله این امر از فرایض وزارت داخله میباشد پس از آن مسلمانان نزد ویسرای یعنی فرمانروای ترکستان عارض شدند - فرمانروا امر کرد که این مسئله را سپرد کیسیون کنند که مطابق عقاید اسلام درین مسئله رای دهند ولی کیسیون مذکور سکوت اختیار نمود و اعضاء آن کیسیون بر هیچ امری متفق نشدند .

ایرانیان راست که چشم بکشاید و مال کار را از همین اندازه کنند - اگر جدوجهد کافی بکار برند و خدای محوایسته روسیه تسلطی در ملکشان پیدا نماید همین روز بد را آنها نیز باید مترصد باشند ، این مداخلت مذهبی که از روسیه بروز کرده است پیش خیمه اهدام بیان اسلام باید تصور کرد ، وقت است که مسلمانان هر فرقه و هر ملک دست آفاق و اتحاد بهم داده بجهت قیام مذهب خود جرأت فوق العاده بکار برند و الا آثار و اعلام اسلام را این قوم متعصب از صفحه عالم معدوم خواهند ساخت -

مقام منبع ریاست روحانی سنی و شیعه راست که در سلطنتهای متبوعه خود مجالس منعقد نمایند و آن سلطنتها را چه مسلمان باشند چه غیر مسلمان مجبور سازند که روس را ازینکار باز دارند و الا فتنه و شورش در عالم برپا شود که جنگهای صلیبی را از خاطر ما محو سازد - اگر اقوام مسلمان در

هر جای عالم علم مخالفت عیسائیان را بلند کنند با حالت کنونی سیاسی یورپ کدام ملت یورپ میتواند با این قوم مقابله نماید ، در افریقه بشمول مصر و سودان و مراکش و تونس و الحیره چقدر عیسائی است که در حالت هیجان مذهبی مسلمانان بتواند با آنها مقابله نماید - حالت عیسائیان سلطنت عثمانی در یورپ و آسیای کوچک چگونه خواهد بود ؟ در خود روسیه اگر جمیع مسلمانان رعیت روس از یکسر ترکستان تا سر دیگر با قفقازیه مخالف دولت برخیزند و ایالات مانند بخارا و غیره نیز با آنها آفاق میکنند دولت روسیه جلوگیری آنها را چگونه قادر تواند شد ؟ در چنین وقتی اگر ایران و افغانستان نیز متحداً و متفقاً قدم پیش گذارند همه چیز را از جلو خود بر میدارند

در هندوستان که دارای هشتاد ملیون مسلمان و الحال که دولت انگلیس از اقوام هندو مطامش نیست و بیشتر استظهارش به مسلمانان هند است اگر این دولت از باز داشتن روس ازین گونه اسلح اعماض نماید و رعایای مسلمان مملکت وسیعه خود را بر بچاند استقلال دولت انگلیس نیز در معرض نزل خواهد بود. ایرانیان باید ازین نکته دقیقه مال کار خود را به بینند و یش ازین مسامحه و ممانعه را جایز ندانند و هیچ قسم مرعوبیت را بخود راه ندهند ، و ازین تنرها از میدان بیرون نروند که حربان همسایه در اکثر امور اثر ما مرعوب تراند ولی بظاهر توپ و تشر را یکی از عمده آلات پیشرفت امور خود تصور میکنند و دست از آن بر میدارند اگر ما از تشرهای آنها میدان را خالی کردیم که خیر والا آنها درین معامله باخت شان بسیار بیشتر از بر دشمنانست - خدای را این مرعوبیت از خود دور دارید و بجزرت قدم پیش گذارید و به بینید که واقفان رموز که خیرخواهان وطن اند شما را هرگز براه غلط هدایت نمیکند - از معدومی شما چیزی حاصل آنها نمیشود ، پس آنچه دقیقه شناسان سیاسی تلقین میکنند بجان ودل بخیرید و بر آن عمل نماید که انشاءالله تعالی مظهر و منصور خواهید بود ، و علیاً الا بلاغ

(خیرخواه وطن حامی)

◀ نقل از روزنامه حکمت منبجه مصر ▶

◀ حقیقت گوئی و انصاف جوئی ▶

پروفیسر (ولیم براون) مستشرق انگلیس شهر مقاله زیر را درباره ایران در جریده (ذینیشن) انگلیسی نوشته اینک ترجمه آن مندرج گردید  
از آنجائیکه روزنامه (ذینیشن) از روزنامه های دوستدار و دلسوز ایران است لذا من بعضی حوادث اخیر از سپاه روس را در تبریز و قزوین و دیگر بلاد ایران در شمال معتدل و شمال غربی در صفحات آن شرح داده و احتلال غیر ضروری و غیر شرعی آن را مدین میدارم

چه بسیار و چه با اهالی از کج کاری و لج بازی عساکر روس بستوه آمده حتی بعضی جـ رائد روسیه مثل جریده (دریسکاپوسوفو) شهادت به بد کاری و سوء سلوک آنان داده که در مدت یک ماه پس از رسیدن شان به تبریز که در ماه آوریل ۱۹۰۹ بوده ۳۰ حادثه بد از آنان سر زده که مردان و زنان را در خانه هایشان دشتام داده و بزور داخل خانه ها شده از اهالی اسلحه گرفته و سبکرها را ویران کرده و خانه ها را پاشاییده و تاوانها و غرامات از ایشان گرفته. مختصر از وحشیگری چیزها فرو گذاری نکردند و از جمله کارهای شرور یکی این بود که یک نفر ارمنی چرکمی (جورابیان) نام را که مقدمه الحیش احرار و مجاهدین راه دستور ایرانی بود در تبریز آسوده می زیست بناگاه آن آزاد مرد را گرفته و به (ایروان) فرستاده و در آنجا از دارش آویختند و گفتند (قدیماً شور شکار بود) و از این گونه تبه کاری از سپاه روس در قزوین نیز فراوان سر زده است

در دو هفته قبل طغیان و تعدیات عساکر روس شدت کرده که از ۶ ماه ژون سه تلگراف از تبریز بمن رسیده و از تصرفات روسیه که تهدید بر سلام عام مینماید شکایات شدید نموده که هرروزه اسباب تراشی نموده که راه نملک بر آن کشور بدبخت باز نماید. و آخر این اخبار مزعج خبر گرفتار شدن پلیس ایرانی از طرف عساکر روس و کشتن کشتن بردن آنها باردوی روشن و زدن آنها است حتی تبریز است هرآنک شمشیر و تپانچه البانیه اروپا استفاده میکنند (در این روزها) ...

هستند این تبریزیان که نمیدانند انگلتره امروزی انگلتره زمان قدیم بوده که دلسوزی از (غاریالدی) مینمود امروز سیاست خارجیته انگلتره سیاست مالیه بوده و از انسانیه نمی پرسد مگر اینکه وانداست نوازن دولی و خطر المالی بوده باشد. امروز نزد ما گروه تازه از استعماریین مدعی اسم احرار بوده و لکن از ترس غضب روسیان نیرومند جرات آشکارا یک کله سخن گفتن درباره مصالح (فلندا) ندارند ولی به خضوع و خشوع بفریاد رئیس جمهوریت امریکا که بشده و شجاعت آنها را بر ضد ضغناء خوانده و از آنها خیانات و عهدود و امانات شکنی را میخواهد گوش میدهند

آری این گروه اعتناء بعدل نداشته و اعتقا بر اینکه سیاست خارجیته و ریتانیای بزرگ که ضا مصلحت مسلمین جاری است در نشو و نما است ، لذا جریده (تایمس) در شرق مبنغوض به باشد بغض است زیرا آن را جریده شیبه روسی میدانند و آن جریده بغض مسلمین را با انگلتره پیفزود و لکن بصرف النظر از آراء تایمس امیدواریم که آراء سواد اعظم از ملة انگلیس نباشد ، می بینیم انگلیس فراسه را مساعده بر اذلال مراکش نمود و این مساعده بمصالح ذاتی انگلیس نبود و همان امروز روسیه در اذلال ایران کوشیده و دو همین حین سر (الدین غورست) محاوله بر تسکین شعور وطنی در مصر (از سوء طالع مصریان کنه این مراوفاات را درک نمینمایند) میکند بشیوه که مجله (بلاک وود) را و دار بزهر فشان نموده که این گونه نفت سموم از آن حتی دو فضائح (کونفو) و در دیگر مظالم سر زده بود

و لکن من امیدوار نیستم که گفتارم یاوری بایر است در این مصیبت نماید و سودی بآنها نبخشد ولی خواهد آمد روز پشیمانی که در آن روز پشیمانی سودی نبخشد (نعم سوف یأتی یوم الندم ولات ساعة مندم)

( حکمت )

امروز تکلیف شرعی و عرفی و وجدانی ایرانیان عموماً و آذربایجانیان خصوصاً و تبریزیان بلاخص تحصیل اسب و سلاح و آذوقه و خوراک فخریه



ایشان چیز دیگر این کار سه روزه را يك روزه نخواهد نمود و آن روز هم دارد نزدیک می شود چنانچه خدای میفرماید ( اعدوا لهم ما استطعتم من القوة و رباط الحبل الخ )

▶ پروتست تبریزبان حکومت روسیه را ◀

از تبریز به طهران بتوسط حاجی ربیع صدقیانی بهریکی از سفراء دیل باقاهم يك نسخه داده بود «سفارت اطریش - سفارت انگلیس - سفارت روسیه - سفارت عثمانی - سفارت آلمان - سفارت فرانسه - سفارت ایتالیا - سفارت آمریکا - سفارت بلژیک - سفارت هولند» از این تلگراف باسی ذیل کوبیه داده شود (حضرت آقای نایب السلطنه) (کابینه وزرای عظام) (دارالشورای کبری) (جریده ایران) (استقلال ابراه) (جریده شرق) (جریده مجلس)

عموم تجار طهران با کمال توقیر و احترام مقام محترم سفارت خانهای دول متحابه را در طهران زحمت میدهم

طبقه تجار هر مملکت همواره طالب آسایش و امنیت میباشد که در سایه امنیت مشغول کسب و تجارت خود بشوند بعد از این انقلابات و صدمات خطه (آذربایجان) در این ایام اخیر از حسن توجه اولیای امور این ولایت و مرکز تا درجه از انقلابات خلاص و خاصه در شهر (تبریز) نهایت امنیت حاصل و طبقه تجار با کمال اطمینان و امیدواری مشغول کسب و تجارت و سفارشات و کنترات با ممالک خارجه شده بودند ولی متأسفانه این اقدامات (قشون نظامی روس) بواسطه بعض حرکات بی اعتدالانه بدون سبب این امنیت حاصله چندین سال زحمات و سلب و اسباب هرج و مرج در مملکت فراهم می نمایند، چنانچه چندی قبل عفتاً بخانه حضرت مستطاب (آقای ثقة الاسلام) ریخته در حالی که خود شان در خانه نبودند سه نفر صاحب منصب بدون اطلاع ایالت جلیله و کارگذاری بکتاب خانه ایشان داخل و قزاقها اطراف خانه حضرت معظم الیه را محاصره کرده مالع از دخول و خروج شده این مسئله بجهت روحانیت و بمقام آئین ملیه ما اولین درجه بی احتیازی است، می خواهند بواسطه

بوحشیگری استناد داده بهانه بدست بیاورند، و علاوه روز (جمعه نهم ماه) بدون اطلاع مراکز رسیده بگرفتاری افراد نظمی که اولین اسباب امنیت است در کوچه و بازار شروع (هفته نقر) نظمی و (صاحب منصب نظامی) را با وضع بسیار بدی گرفتار و در (باغ شمال) حبس کرده اند، لازم گردید که خاطر آن ذوات محترم را از این حرکات بی اعتدالانه (قشون نظامی روس) مستحضر و مظلومیت خود مان را اظهار نمائیم که از این اقدامات آنها جلب اغتشاش و رفع امنیت از مملکت و صدمه عمده تجارت و کسب اهالی فراهم خواهد آمد، متنی است در این خصوص توجه مخصوص فرموده بلکه از توجهات آن ذوات محترم از تعدیات قشون روس جلوگیری و رشته امنیت و تجارت گسیخته نگشته احدی در (تبریز) امروز امنیت ندارد که آیا فردا به بهانه قزاق فراری در خانه او خواهند ریخت یا خیر و نظمی نمی داند که اگر يك نفر شرارت کرده مانع بشود یا خیر، مستعدی است توجه مخصوص سریعاً فرمائید که با سودکی مشغول تجارت و کسب خود بوده باشیم امضاء ۶۲ نفر از اعیان تجار با اساسی از طرف عموم تجار تبریز

▶ نامه مرکز اتحاد و ترقی در پاریس ◀

(بشارت)

دولت علیه و سران و وکلای ملت و جراید ملی و هموطنان عزیز ما را بشارت باد روزنامه مخصوص اتحادیه فرانسه و ایران در پاریس زبان فرانسه از برای خدمت ایران امروز منتشر شد

ظهور این جریده فرانسه در پاریس در دفاع منافع ملی ما در خارجه و معرفی ما و حقیقت امور ما به ملل دیگر و جلوگیری از آن همه دسائیس که در بی اعتباری و تحقیر ما بعمل می آید تصادف نمود با نشر جراید فرانسوی (استقلال ایران) و (شرق) در طهران که وجود شان بسیار مقتم و ظهورشان بهر از اظهار لزوم آنها در یکی از نامه های مرکز اتحاد و ترقی بیشتر اسباب افتخار و اعزاز ما است خوشحال بحال وطن پرستانی که اوقات خودشان را به موهومات صرف نکرده با حدیث این نوع آلات